

حکمرانی حکیمانه: چشم‌انداز جدید حکمرانی و اداره امور عمومی

حمزه صمدی میارکلائی^۱، حسین صمدی میارکلائی^۲ مسعود بسطامی^{۳*}

^۱ دانش آموخته دکتری مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری، گروه مدیریت تکنولوژی و نوآوری، دانشکده مدیریت صنعتی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
^۳ استادیار گروه مدیریت بازرگانی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

چکیده

دنیا با یک بحران بی‌سابقه و خطرناکی مواجه است. با توجه به تغییرات به‌وجودآمده توسط همه‌گیری جهانی ویروس کرونا و آشکار شدن ماهیت کارآمد یا ناکارآمد نظام‌های حکمرانی و اداره امور عمومی کشورهای دنیا، و ضرورت نگاه به درون و ملی‌گرایی تقریباً در همه کشورهای دنیا، پس از ۴۰ سال تسلط و استیلای جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر که در قالب اصلاحات مدیریت دولتی نوین و طرح‌هایی مانند خصوصی‌سازی، شرکتی‌سازی، تجاری‌سازی، برون‌سپاری و اقتصاد بازار، نقش دولت و نهادهای دولتی را به حداقل ممکن کاهش داد و به کنترل اجتماعی، نظامی‌گری و ایجاد نظم و امنیت اقتصادی برای صاحبان سرمایه و نظام سرمایه‌داری محدود کرد، اکنون زمانی برای تعریف یک مفهوم جدید و زمانی برای شکوفایی و بلوغ حکمرانی و اداره امور عمومی است. نظم نوین جهانی در حال شکل‌گیری است و طرح آن را فاتحان بر بحران ویروس کرونا (کووید-۱۹) خواهند نگاشت. در این مقاله با استفاده از روش پژوهش تحلیلی-توصیفی و گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه-ای، چشم‌انداز جدیدی برای حکمرانی و اداره امور عمومی مطرح شده است.

واژگان کلیدی: نظم نوین جهانی، جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر، حکمرانی و اداره امور عمومی، همه‌گیری جهانی ویروس کرونا (کووید-۱۹)، حکمرانی حکیمانه

^۱ نویسنده مسئول mbastami5@gmail.com

۱- مقدمه

همه‌گیری جهانی ویروس کرونا (کووید-۱۹) بحرانی است که میلیاردها انسان را در سراسر دنیا به خود مشغول کرد و پیامدهای گسترده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و فلسفی را برای جوامع، دولت‌ها و حکومت‌ها به بار آورده است. تبدیل به سرخط خبرهای دیداری و شنیداری، مکتوب و غیرمکتوب و مکالمات و تعاملات انسانی در سراسر دنیا شده است، و چالش‌های عمده‌ای را برای حکومت‌ها، دولت‌ها، نظام‌های حکمرانی و سازمان‌های بین‌المللی به وجود آورده است که حیات، بقا و سرنوشت آنها را تحت تأثیر قرار داده است.

دنیا تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است و مسائل مربوط به حکمرانی، مدیریت و اداره امور عمومی به شدت تغییر یافته و چالش‌های بسیار مهمی را برای دولت‌ها و حکومت‌ها به وجود آورده‌اند. گسترش و توسعه فزاینده رسانه‌های رسمی و غیررسمی، حکمرانی شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، جریان پر حجم و سیال اطلاعات در میان جمعیت دنیا، افزایش سرعت جابه‌جایی انسان در سراسر دنیا، به هم پیوستگی، وابستگی و یکپارچگی سخت میان اقتصادهای دنیا در قالب جهانی‌سازی اقتصاد، شیوع گسترده و همه‌گیری جهانی بیماری‌هایی مانند ویروس کرونا (کووید-۱۹)، نیاز برای ارائه خدمات بهداشتی و عمومی به جامعه و شهروندان، رویارویی با دوگانه‌هایی مانند «اقتصاد در مقابل سلامت مردم» (به‌عنوان مثال، در زمان اجرای سیاست‌های کنترلی برای جلوگیری از شیوع و همه‌گیری بیشتر ویروس کرونا)، مسائل و چالش‌هایی هستند که پیش از این، دولت‌ها و حکومت‌ها با این وسعت و گستردگی با آنها مواجه نبودند، و از این‌رو، چالش‌های بسیار جدی را در خصوص سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و اقدامات آنها ایجاد کرده است.

نظام حکمرانی و اداره امور عمومی^۱ هسته مرکزی و مهم‌ترین و محوری‌ترین عنصر در «نظم نوین جهانی»^۲ است که سایر مناسبات جهانی حول آن شکل می‌گیرند. نظام حکمرانی و اداره امور عمومی نقش اصلی را در خط‌مشی‌گذاری و اجرای سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشت و سلامت، فناوری، محیط‌زیستی و ارائه خدمات عمومی بر عهده دارد. توانمندی و عملکرد مطلوب نظام حکمرانی و اداره امور عمومی در تأمین انتظارات، نیازها و مطالبات جامعه و شهروندان، میزان حکومت‌پذیری را بهبود می‌بخشد؛ به طوری که در هر حکومتی، به دلیل تعامل و اثرگذاری متقابل نظام‌های سیاسی و اداری، کارآمدی و عملکرد مناسب و مطلوب نظام سیاسی، یک نظام اداری پاسخگو را ایجاد می‌کند، و عملکرد مطلوب نظام اداری، مشروعیت و اعتماد جامعه به نظام سیاسی را تضمین می‌کند. ناتوانی در کسب رضایت شهروندان موجب کاهش اعتماد عمومی، مشروعیت نظام، مشارکت عمومی و همگرایی در جامعه می‌شود.

در جریان بحران ابولا^۳ در سالیان گذشته، یک روزنامه به این نکته اشاره می‌کند که اگر کشور آفریقای غربی^۴ دارای حکمرانی خوب بود، نباید دچار این همه‌گیری می‌شد (گریندل^۵، ۲۰۱۷). در جریان همه‌گیری جهانی ویروس کرونا (کووید-۱۹)، با توجه به اینکه کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده و کشورهای اروپایی از نظر شاخص‌های حکمرانی در رتبه‌های بالا قرار دارند، باید این پرسش‌ها را مطرح کرد که: چرا آنها در رویارویی با این همه‌گیری جهانی و ارائه خدمات عمومی و بهداشتی به جامعه و شهروندان‌شان ناکام ماندند؟ آیا الگوهای حکمرانی و اداره امور عمومی در این کشورها نامناسب بوده است؟ و یا شاخص‌های مورد استفاده، شاخص‌های مناسبی برای ارزیابی نظام‌های حکمرانی و اداره امور عمومی این کشورها نبوده است؟ و یا اینکه نظم نوینی در حال شکل‌گیری است که مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، سبک زندگی،

1. Governance and Public Administration
2. New World Order
3. Ebola Crisis
4. West African Country
5. Grindle

فناورانه، محیط‌زیستی و نظام‌های حکمرانی و اداره امور عمومی را دگرگون کرده و در جهت نظامی غیر از نظم حاکم بر دنیای کنونی که مبتنی بر تفکرات لیبرالیسم و نئولیبرالیسم است سوق می‌دهد؟

ایالات متحده آمریکا سرمنشأ بسیاری از تحولات علمی و عملی در سراسر دنیا به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم است و بسیاری از نظریه‌های مدیریتی و حکمرانی و اداره امور عمومی برخاسته از ایدئولوژی حاکم بر اقتصاد و سیاست ایالات متحده آمریکاست که بسیار سریع توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در سراسر دنیا منتشر می‌شود. موفقیت یا شکست ایالات متحده آمریکا در هر یک از بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مدیریتی، حکمرانی و اداره امور عمومی می‌تواند بر تصمیم سایر ملت‌ها در الگوبرداری از آن اثرات مثبت یا منفی بگذارد. با آغاز قرن بیست‌یکم ایالات متحده آمریکا با تکان‌های متعددی مواجه بوده که هر یک به نوعی نشان‌دهنده افول آن در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ که بیشتر به‌عنوان بحران ۹/۱۱ شناخته می‌شود، بحران مالی و اقتصادی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹، ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریستی، بنیادگرا و افراط‌گرای مذهبی مانند داعش در سوریه و عراق از سال ۲۰۱۲، بحران کووید-۱۹ از اواخر سال ۲۰۱۹ و ابتدای سال ۲۰۲۰، ناتوانی در ایجاد دموکراسی^۲ در داخل ایالات متحده آمریکا در وقایع بعد از انتخابات ژانویه ۲۰۲۱ و حمله به ساختمان کنگره، خروج مفتضحانه ایالات متحده آمریکا از افغانستان در سال ۲۰۲۱، تحریک و جنگ غیرمستقیم با روسیه از طریق ناتو و ارائه کمک‌های تسلیحاتی به اوکراین، درگیری با چین در مسئله تایوان، و به‌تازگی، حمایت تسلیحاتی و تمام‌قد از رژیم غاصب صهیونیستی در حمله نظامی به باریکه غزه و ناکامی و شکست در دستیابی به هدف‌ها و موفقیت‌های مشهود و متعارف از این حمله و نیز ناتوانی در برقراری آتش‌بس پایدار و دفاع از حقوق بشر و سایر اصول و ارزش‌های ادعایی، همگی نشان‌گر ناکارآمدی ترتیبات حکمرانی جهانی و حکمرانی منبعث از ایدئولوژی برخاسته از ایالات متحده آمریکا برای مدیریت مسائل و چالش‌های امروز دنیا است.

اکنون که وارد سومین دهه از قرن بیست‌ویکم شده‌ایم، با توجه به مسائل کنونی دنیا، و نیز آشکار شدن نقصان‌ها و بی-کفایتی نظام‌های حکمرانی بسیاری از کشورها در طول بیش از یک سال بحران همه‌گیری جهانی و بروس کرونا و ناتوانی حکومت‌ها در رویارویی اثربخش با آن، زمان آن رسیده است که بپرسیم آیا نیاز تازه و مبرمی برای ارائه و معرفی یک نظریه جامع و یکپارچه برای نظریه و عمل حکمرانی، مدیریت و اداره امور عمومی وجود دارد؟ با توجه به مباحث و مسائلی از قبیل رابطه میان سیاست و اداره (اغلب در قالب دوگانگی بیهوده مدیریت درمقابل اداره، و دوگانگی بی‌سرانجام سیاست-اداره یا خط‌مشی-اجرا)، بی‌طرفی سیاسی، فرایندهای خط‌مشی‌گذاری و اجرای آنها، ارائه خدمات عمومی، ارزش‌آفرینی، عمل بر اساس اخلاقیات و ارزش‌های عمومی جامعه، پیگیری و تأمین نفع عامه، نیاز به تعامل و همکاری میان کنش‌گران متکثر و نیاز به یک نظام حکمرانی متنوع، اما یکپارچه در یک جامعه و دنیای کثرت‌گرا، مدیریت و اداره امور عمومی در شرایط پیچیده، آشفته، متلاطم، بحرانی، به سرعت در حال تغییر، بی‌ثبات و سرشار از گسستگی‌های دنیای امروز، به نظر می‌رسد که پاسخ مثبت است؛ و ممکن است این نظریه «حکمرانی حکیمانه» باشد؛ نظریه‌ای که بر اساس وجود چنین شرایطی پیش‌بینی شده است و در جست‌وجوی خط‌مشی‌گذاری، اجرا و ارائه خدمات در چنین زمینه‌هایی است. این نظریه، در نوع خود گفتمانی بدیل است.

آبراهام مازلو^۳ معتقد است «اگر تنها ابزار در اختیار شما یک چکش باشد، تمایل شما این است که هر مسئله را به‌عنوان یک میخ ببینید» (میولمن^۴، ۲۰۰۸). هر یک از الگوهای مدیریت و اداره امور عمومی، به نوعی گرایش به سمت یکی از اشکال مدیریت و اداره امور داشتند. برخی قائل به نقش افراطی بخش دولتی در کل فرایند خط‌مشی‌گذاری، اجرا و ارائه خدمات بودند؛ برخی نیز گرایش بیشتری نسبت به بخش خصوصی و سازوکار بازار داشتند. دیگران نیز صرفاً بر شبکه‌های خط‌مشی تکیه

1. 9/11 crisis
2. Democracy at home
3. Abraham Maslow
4. Meuleman

دارند. به اعتقاد رودز^۱ (۲۰۰۷)، آینده با بازارها، یا سلسله‌مراتب‌ها، و یا شبکه‌ها واقع نمی‌شود؛ بلکه با هر سه آنها واقع می‌شود و مدیریت قراردادهای یا هدایت شبکه‌ها هنر نیست؛ بلکه هنر ترکیب اثربخش این سه در زمان وجود تعارض میان آنها است (رودز، ۲۰۰۷) که از طریق حکمرانی حکیمانه ممکن می‌شود. طراحی و مدیریت ترکیبی از سبک‌های حکمرانی بخش دولتی (سلسله‌مراتب)، بخش خصوصی (بازار) و شبکه‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است و در زمان ناکامی یکی از سبک‌های حکمرانی، «جعبه ابزاری» را در اختیار مدیران قرار می‌دهد تا غنی‌تر شوند (میولمن، ۲۰۰۸). حکمرانی شبکه‌ای مسائلی از قبیل ایجاد یک دولت توخالی (رودز، ۱۹۹۶)، درک مشترک از مسائل و فرصت‌های خط‌مشی، تضاد منافع کنش‌گران متعدد، سرعت و توافق بر سر تصمیم‌گیری مشارکتی (تورفینگ و همکاران^۲، ۲۰۱۲)، «مسئله دست‌های بسیار» و چالش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، هماهنگی، قدرت و کنترل (فان د پول و همکاران^۳، ۲۰۱۵)، «بازی تقصیر و سرزنش»^۴ (بوین و همکاران^۵، ۲۰۱۰) و پیگیری منافع شخصی هر یک از کنش‌گران را به همراه دارد (پیترز^۶، ۲۰۱۸). حکمرانی شبکه با تأکید بر انعطاف‌پذیری، خودسامانی و غیررسمی‌بودن، از بسیاری جهات آینه حکمرانی بوروکراتیک است. در واقع، شبکه‌ها به‌عنوان پاسخی برای شکست‌های بوروکراتیک تلقی می‌شوند، اما آن‌ها نیز با شکست‌هایی مواجه شده‌اند؛ شکست‌هایی که از طریق شکست‌های همکاری اتفاق می‌افتند. در شبکه‌ها، شرکای مبادله بر سر یکدیگر کلاه می‌گذارند یا مبادله را بر هم می‌زنند. هزینه‌های مبادله در حکمرانی شبکه‌ای بالاست و وابستگی متقابل میان شبکه‌های حکمرانی خطر شکست‌ها را افزایش می‌دهد. حکمرانی شبکه‌ای با تناقضاتی مانند وحدت و تنوع مواجه است. با افزایش ذی‌نفعان و پیچیدگی مسئله، مذاکره اثربخش، توسعه رهبری مشترک، و زمان اعتمادسازی طولانی می‌شود و رخوت همکاری را به‌همراه دارد (آنسل و همکاران^۷، ۲۰۲۳: ۷-۸).

از طرفی، حکمرانی خوب نیز که توسط بانک جهانی در سال ۱۹۹۲ مطرح شد، به اصلاحات نئولیبرال مدیریت دولتی نوین و بازارگرایی اشاره دارد (بویر^۸، ۲۰۱۳). حکمرانی خوب استانداردهای مشترک دموکراسی‌های غربی را مبنای سنجش «خوبی»^۹ در دولت و حکومت قرار می‌دهد (پالوها و روزندال^{۱۰}، ۲۰۱۲). هنجاری بودن، نامفهوم بودن و تجویزی بودن استانداردهای حکمرانی خوب، اقتضائات و تفاوت‌های اقلیمی، محیطی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و تاریخی جوامع مختلف را مورد توجه قرار نمی‌دهد؛ آرمان متورم^{۱۱} طرفداران حکمرانی خوب، آن را در نظرشان تبدیل به یک داروی شفابخش برای بسیاری از بیماری‌هایی کرده است که افراد سراسر دنیا را تحت تأثیر قرار داده است، و در قالب تفکر «یک بهترین راه»^{۱۲} برای بهبود عملکرد حکمرانی در بخش دولتی و توسعه ارائه می‌شود، و در جست‌وجوی یکسان‌سازی و همسان‌سازی نظام‌های حکمرانی جوامع مختلف با نظام لیبرال دموکراسی غربی است، بدون اینکه به گوناگونی‌ها و تفاوت‌های سایر جوامع احترام بگذارد. تاریخ، نهادها، تجارب، و شرایط کشورها، و چالش‌هایی که با آنها روبه‌رو هستند، متفاوت می‌باشند و مداخلات آنها برای رویارویی با این چالش‌ها ضرورتاً متفاوت خواهد بود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

1. Rhodes
2. Torfing et al.
3. Van de Poel et al.
4. Blame game
5. Boin et al.
6. Peters
7. Ansell et al.
8. Bevir
9. Goodness
10. Poluha & Rosendahl
11. Inflated Ideal
12. one best way

۲-۱- بحران همه‌گیری جهانی ویروس کرونا: فرصتی برای شکل‌گیری نظم نوین جهانی

طرفداران مفهوم پزشکی، بحران را به‌عنوان یک «نقطه عطف^۱» (کومبز و هولادی^۲، ۲۰۱۱) میان یک تغییر خوشایند و یک تغییر ناخوشایند در وضعیت و حالت یک موجود زنده مورد توجه قرار می‌دهند. به فراخور سطح اثرگذاری بحران، هر بحران نقطه تحولی است که به موجب آن فرد، سازمان، یا جامعه دچار تحول و دگرگونی گسترده می‌شود و در اثر این تحول، می‌تواند موقعیت فعلی آنها تضعیف و یا تقویت گردد.

بحران‌ها وضعیت‌هایی هستند که حکومت و نهادهای دولتی را مورد آزمون و ارزیابی قرار می‌دهند. بسیاری از موضوعات و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مانند بحران همه‌گیری جهانی ویروس کرونا (کووید-۱۹)^۳ نظام‌های حکمرانی، حکمرانی اروپایی، حکمرانی بین‌المللی یا جهانی، حکمرانی تعاملی (کویمان و جنتوف^۴، ۲۰۰۹)، حکمرانی شبکه‌ای (کویمان^۵، ۱۹۹۳)، نظام‌های سوسیالیستی، کمونیستی، و نظام سرمایه‌داری و لیبرال-دموکراسی غربی و آمریکایی را بر اساس حکومت‌پذیری مورد آزمون قرار می‌دهند، و تعاملات، هماهنگی‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یا جهانی در تبادل منابع و تصمیم‌گیری مشارکتی را طلب می‌کنند.

تصور از بحران به‌عنوان فرصت‌ها و موقعیت‌های تصمیم‌گیری، تصور و تفکر غالب در ادبیات رهبری بحران است. بحران-ها «پنجره‌ای از فرصت» را برای اصلاحات شگرف و فراگیر می‌گشایند (بوین و همکاران، ۲۰۰۵) که از طریق آن رهبر شناسی برای اصلاح ساختارهای نهادی و سیاست‌های دیرین و قدیمی به دست می‌آورد (بوین و هارت^۶، ۲۰۰۸). در زبان و فرهنگ چینی، بحران را به‌عنوان «فرصت خطرناک^۷» تفسیر می‌کنند (اولمر و همکاران^۸، ۲۰۱۱). عبارت معروفی وجود دارد که بیان می‌دارد: «هرگز نگذارید یک بحران به هدر رود^۹» (فولر^{۱۰}، ۲۰۱۳) و «از بحران فرصت بسازید» (بلومناو و لادریدیل^{۱۱}، ۲۰۱۸)؛ یعنی در هر بحرانی که واقع می‌شود فرصت‌هایی برای بهره‌مندی و انجام کارهای مهم مانند یادگیری و اصلاح برای پیشرفت و بهبود تفکرات، باورها، ساختارها، فرایندها و نظام‌های تصمیم‌گیری و اجرایی وجود دارد که در غیر این صورت وجود نداشت. زمانی که بحرانی به وقوع می‌پیوندد یا تغییر و تحولی خواسته یا ناخواسته ایجاد می‌گردد، برگشت به وضعیت معمول گذشته صحیح نیست؛ به این دلیل که وضعیت معمول گذشته مسئله‌زا بوده است، که اگر چنین نبود دچار بحران نمی‌شد یا نیازی به اصلاح، تغییر و تحول آن احساس نمی‌شد. پراشاد^{۱۲} (۲۰۲۰) معتقد است «ما به حالت عادی بر نخواهیم گشت، به این دلیل که وضعیت عادی یک مسئله بود» (پراشاد، ۲۰۲۰). به اعتقاد هنری کیسینجر^{۱۳} (۲۰۲۰)، واقعیت این است که دنیای پس از ویروس کرونا هرگز مانند گذشته نخواهد بود و همه‌گیری جهانی ویروس کرونا نظم جهانی را تغییر خواهد داد (کیسینجر، ۲۰۲۰). فوکویاما^{۱۴} (۲۰۲۰) نیز معتقد است که همه‌گیری جهانی می‌تواند منجر به افول نسبی ایالات متحده، تباهی مستمر نظم بین‌المللی لیبرال و طغیان مجدد فاشیسم^{۱۵} در سراسر دنیا شود؛ علاوه بر این، می‌تواند باعث تولد مجدد لیبرال دموکراسی

1. turning point
2. Coombs & Holladay
3. Coronavirus (COVID-19) Pandemic Crisis
4. Kooiman & Jentoft
5. Kooiman
6. Boin & t Hart
7. Dangerous Opportunity
8. Ulmer Et Al.
9. Never Let A Crisis Go To Waste
10. Fuller
11. Blumenau & Lauderdale
12. Prashad
13. Henry A. Kissinger
14. Fukuyama
15. Fascism

شود که مورد انتقادات بسیاری قرار گرفته است (فوکویاما، ۲۰۲۰). علاوه بر این، موج شیوع کرونا در دنیا انسان را وادار به نوآوری و تغییر در روش کار و زندگی می‌کند (مارا، ۲۰۲۰).

دنیای جهانی‌سازی شده پیش از شیوع ویروس کرونا، تحت تسلط و استیلای کامل تفکرات و اندیشه‌های نظام‌های لیبرالیسم، نئولیبرالیسم، لیبرال‌دموکراسی آمریکایی و غربی، و نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر بر اقتصاد، سیاست، فرهنگ، فناوری، مدیریت و رهبری، حکمرانی و مدیریت دولتی قرار داشته است. نوآم چامسکی^۲ معتقد است، نظم شکننده کنونی اقتصاد جهان بر اساس اصول نئولیبرال شکل گرفته است، و ناکامی‌های ایالات متحده در مدیریت بحران کرونا را حاصل «طاعون نئولیبرال»^۳ و «مصیبت نئولیبرال» می‌داند (پولی‌چرونیو^۴، ۲۰۲۰؛ گودمن^۵، ۲۰۲۰). بحران کرونا مهر ابطالی بر تفکرات و اندیشه‌های لیبرال و نئولیبرال زد و نیاز برای تغییر و ایجاد نظم نوین جهانی را ضرورت بخشید. تلاش برای برگشت به این نظام‌های ناموفق مدیریتی نادرست است؛ به این دلیل که ماهیت این نظام‌ها مسئله‌زا بوده است. نظم نوین جهانی به معنای ایجاد یک واقعیت جدید پس از ناکارآمدی نظم گذشته جهانی است که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت و نظم بین‌المللی لیبرال^۶ یا نظم جهانی لیبرال^۷ نامیده می‌شود. افول رهبری ایالات متحده در رویارویی با همه‌گیری کووید-۱۹ نشان تازه‌ای از فروپاشی نظم جهانی لیبرال است که در سال‌های اخیر رواج یافته است (دوران^۸، ۲۰۲۰).

مقام معظم رهبری می‌فرماید بحران کرونا «یک آزمون است؛ آزمون برای دنیا است؛ هم برای دولت‌ها، هم برای ملت‌ها؛ دولت‌ها هم در این حادثه امتحان می‌شوند، ملت‌ها هم در این حادثه امتحان می‌شوند»^۹. بحران کرونا آزمون و محک جدی برای تمام نظام‌های حکمرانی و اداره امور عمومی، و تا حدودی ویران‌گر برای برخی از نظام‌های حکمرانی و اداره امور عمومی در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی یا جهانی در سراسر دنیا بوده است که بعضاً ادعای مدیریت و رهبری جهانی، قدرت جهانی بودن و شکست‌ناپذیری در زمینه‌های گوناگون داشته‌اند. صرف‌نظر از نوع ویروس کرونا که دنیا را درنوردیده است، ظرفیت‌ها، آمادگی‌ها و توانمندی‌های دولت‌ها و حکومت‌ها در رویارویی، مدیریت و رهبری بحران و میزان اعتماد عمومی به دولت‌ها و حکومت‌ها است که سطوح بحران و میزان اثرگذاری آن را تغییر می‌دهد.

البته، قابل ذکر است که بحران کرونا به خودی خود موجب نظم نوین جهانی نیست؛ بلکه به‌عنوان یک تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده عمل می‌کند. به‌عبارتی، نظم نوین جهانی در سالیان اخیر آرام‌آرام در حال شکل‌گیری بود. کادومسیف^{۱۰} (۲۰۲۰) معتقد است که سیاست تحریم‌ها و فشارهای مالی و اقتصادی واشنگتن در سال‌های اخیر برخی از دولت‌ها را وادار کرد تا در جست‌وجوی راه‌های برای ایجاد یک نظام یا نظام‌های مالی و اقتصادی باشند که وابسته به ایالات متحده نیست. این اتحادهای جدید که در اوراسیا، آسیا و آفریقا در حال شکل‌گیری است، منجر به فروپاشی نظم مدرن دنیا می‌شود (کادومسیف، ۲۰۲۰). بحران کرونا هسته مرکزی حکمرانی و اداره امور عمومی در کشورها و ابرقدرت‌های به ظاهر «بزرگ‌شده» که دچار «افول موریانه‌وار»^{۱۱} شده بودند را هدف قرار داد و ناکارآمدی آنها را آشکار و اثبات کرد.

1. Marr

2. Noam Chomsky

3. Neoliberal Plague

4. Polychroniou

5. Goodman

6. the liberal international order

7. the liberal world order

8. Duran

۹. سخنرانی تلویزیونی رهبری به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>

10. Kadomtsev

۱۱. بیانات رهبری در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42758>

پس از شیوع گسترده ویروس کرونا و اثرات آن بر جنبه‌های مختلف زندگی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، محیط‌زیستی و فناوریانه افراد، خانواده‌ها، سازمان‌ها، جوامع و مناسبات بین‌المللی، پژوهشگران و سیاست‌گذاران مختلفی در سراسر دنیا به بررسی و تبیین اثرات و پیامدهای این تغییرات پرداختند و تلاش کردند تا تغییرات آینده را در یک نظم نوین جهانی پیکربندی کنند؛ عده‌ای هم اعتقادی به نظم نوین جهانی ندارند و معتقدند که پس از گذشت این بحران، دنیا با تغییرات اندکی به وضعیت سیاسی و اقتصادی گذشته خود برمی‌گردد. در یک تقسیم‌بندی، می‌توان دیدگاه‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران را در چند گروه تقسیم‌بندی کرد:

- ۱) اعتقاد به مرحله جدیدی از جهانی‌سازی (فروم^۱، ۲۰۲۰؛ کادومسِف، ۲۰۲۰؛ کاپلان^۲، ۲۰۲۰؛ رینهارت^۳، ۲۰۲۰)؛
- ۲) اعتقاد به تضعیف جهانی‌سازی و تقویت ملی‌گرایی و انزوای خودخواسته دولت-ملت‌ها برای توجه به داخل و حمایت از تولید کالاهای داخلی (کادومسِف، ۲۰۲۰؛ کینون^۴، ۲۰۲۰)؛
- ۳) اعتقاد به ایجاد توازن میان جهانی‌سازی و ملی‌گرایی (کادومسِف، ۲۰۲۰)؛
- ۴) اعتقاد به دوقطبی یا جهانی‌سازی یا ملی‌گرایی و انزوا (فروم، ۲۰۲۰)؛
- ۵) اعتقاد به توفیق نظام‌های دموکراسی غربی، به‌ویژه لیبرال دموکراسی آمریکایی بعد از یک دوره گذار (فوکویاما، ۲۰۲۰؛ کاپلان، ۲۰۲۰؛ نای^۵، ۲۰۲۰)؛
- ۶) اعتقاد به موفقیت نظام‌های تک‌حزبی مانند روسیه و چین (که از نظر مخالفان آنها خودکامه یا اقتدارگرا خوانده می‌شوند) (آلیسون^۶، ۲۰۲۰؛ آلن^۷، ۲۰۲۰؛ پراشاد، ۲۰۲۰)؛
- ۷) اعتقاد به آمریکای بزرگ و علاقه‌مند به هژمونی و تقویت مجدد سنت رهبری جهانی ایالات متحده (کیسینجر^۸، ۲۰۲۰)؛
- ۸) اعتقاد به دنیای پسا-آمریکا و کاهش نفوذ و اثرگذاری آمریکا در مسائل جهانی به دلیل ناکامی در مدیریت بحران کرونا و ناتوانی در ایجاد دموکراسی در درون ایالات متحده (کولی و نکسون^۹، ۲۰۲۰؛ هاس^۹، ۲۰۲۱؛ تیسدال^{۱۰}، ۲۰۲۰ الف)؛
- ۹) اعتقاد به دنیای بدون ابرقدرت و انتقال قدرت از غرب به شرق (کادومسِف، ۲۰۲۰؛ کینون، ۲۰۲۰؛ تراوب^{۱۱}، ۲۰۲۰)؛
- ۱۰) اعتقاد به دو یا چندجانبه‌گرایی در مقابل یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده در مسائل بین‌المللی (آلن، ۲۰۲۰؛ کاپلان، ۲۰۲۰؛ تیسدال، ۲۰۲۰ الف و ۲۰۲۰ ب)؛
- ۱۱) اعتقاد به ایجاد سازمان‌ها، نهادها و همکاری‌های بین‌المللی قوی‌تر از نهادهای بین‌المللی ضعیف کنونی (تیسدال، ۲۰۲۰ الف؛ نای، ۲۰۲۰)؛
- ۱۲) اعتقاد به بحران و کساد اقتصادی شدیدتر از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸، مانند سال‌های دهه ۱۹۳۰ میلادی (کادومسِف، ۲۰۲۰؛ فونتین^{۱۲}، ۲۰۲۰)؛

1. Frum
2. Kaplan
3. Reinhart
4. Keinon
5. Nye
6. Allison
7. Allen
8. Cooley & Nexon
9. Haass
10. Tisdall
11. Traub
12. Fontaine

۱۳) اعتقاد به انقلاب و حکمرانی دیجیتالی و رایانه‌ای (آرایا، ۲۰۲۰؛ مار، ۲۰۲۰)؛

۲-۲- نئولیبرالیسم، نظام سرمایه‌داری و جهانی‌سازی اقتصاد و اثرات آن بر حکمرانی و اداره امور عمومی

همان‌گونه که بیان شد، نظم جهانی کنونی حاصل جهانی‌سازی اقتصاد و نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر است که متأثر از اندیشه‌های لیبرالیسم و نئولیبرالیسم پس از جنگ جهانی دوم است. فرازمند^۲ (۲۰۱۲) معتقد است، جهانی‌سازی چالش بزرگ قرن ۲۱ است و به معنی کارهای مختلف با افراد مختلف با منافع مختلف است (فرازمند، ۲۰۱۲ الف). برخی موافق جهانی‌سازی هستند (استیور^۳، ۱۹۸۸؛ فوکویاما، ۱۹۹۲؛ فریدمن^۴، ۱۹۹۹)، برخی مخالف آن هستند (کورتن^۵، ۱۹۹۵) و برخی نیز دیدگاه‌های بینابینی دارند که دربرگیرنده استدلال‌های واقع‌گرایانه‌تری هستند (فرازمند، ۱۹۹۹ و ۲۰۱۲ الف؛ شولت^۶، ۲۰۰۵). از یک طرف، جهانی‌سازی به‌عنوان توسعه تاریخی نظام سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر است و یک فرایند طبیعی تغییر مستمر است. جهانی‌سازی فرایندی است که از طریق آن یکپارچگی کل دنیا اتفاق می‌افتد (فرازمند، ۱۹۹۹، ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲ الف). بر اساس دیدگاه موافق، جهانی‌سازی، شرکتی‌سازی، تجاری‌سازی و خصوصی‌سازی دولت‌ها را بی‌ربط می‌سازند، و رشد شرکت‌های فراملی نظام سرمایه‌داری جهانی را گسترش می‌دهد و دنیای بدون مرز را ایجاد می‌کند (اوهمی^۷، ۱۹۹۰) که توسط نیروهای بازار اداره می‌شود و فرصت‌هایی را برای دولت‌ها و ملت‌ها ارائه می‌کند تا کسب‌وکارشان را به بازار جهانی واگذار کنند (فوکویاما، ۱۹۹۲؛ فریدمن، ۱۹۹۹).

طرفداران دیدگاه دوم، جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری شرکتی را به دلیل اثرات منفی شدید آن بر اقتصادهای ملی، ارزش‌های انسانی، منافع جامعه دموکراتیک، حاکمیت ملی و کشورهای جهان سوم به‌طور کامل رد می‌کند، و معتقدند که جهانی‌سازی برای حاکمیت دولت، دموکراسی و منفعت عامه زیان‌آور است و قلمروهای عمومی مشارکت‌کننده در فقر عمومی را حذف می‌کند، شکاف‌های غنی-فقر را گسترش می‌دهد و منجر به تقسیم دنیا به قوی و ضعیف می‌شود (کورتن، ۱۹۹۵؛ آگنیو^۸، ۲۰۰۵؛ پرنٹی^۹، ۲۰۱۰). جهانی‌سازی باعث ایجاد بحران عمیق «حکمرانی» و «حکومت‌پذیری» می‌شود (کریگل^{۱۰}، ۱۹۹۸)، استعمارگری شرکتی دنیا را افزایش می‌دهد (دیتز^{۱۱}، ۱۹۹۲) و موجب پایان اداره امور عمومی می‌شود (استیور، ۱۹۸۸). آنها بر این باورند که جهانی‌سازی منجر به «غارت جهانی»^{۱۲}، فقر گسترده، بحران حکومت‌پذیری، وابستگی عمیق و سیر نزولی^{۱۳} میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا می‌شود.

دیدگاه سوم بر این باور است که جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری به دولت و اداره امور عمومی پایان نمی‌دهد؛ بلکه برعکس دولت و اداره امور عمومی باقی می‌مانند و در حقیقت قوی‌تر می‌شوند؛ اما وابسته به نخبگان قدرت شرکتی می‌شوند (فرازمند، ۱۹۹۹، ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲ الف). بااین‌وجود، جهانی‌سازی به‌عنوان یک پدیده طبیعی توسعه نظام سرمایه‌داری در یک فرایند مستمر تغییرات است که اکنون به‌عنوان «جهانی‌سازی چپاول‌گر» مورد توجه قرار می‌گیرد (شولت، ۲۰۰۵؛ گالبرایت^{۱۴}،

1. Araya
2. Farazmand
3. Stever
4. Friedman
5. Korten
6. Scholte
7. Ohmae
8. Agnew
9. Parenti
10. Kregel
11. Deetz
12. Global Pillage
13. Race to the Bottom
14. Galbraith

۲۰۰۶). مفهوم جهانی‌سازی چپاول‌گر از ماهیت غیرمترعارف رفتار شرکت‌های جهانی و جهانی‌شده نشأت می‌گیرد که از طریق ابزارهایی مانند دستیابی به نیروی کار ارزان، مقررات‌زدایی از بازارها و حفاظت‌کنندگان محیط‌زیست برای دستیابی به منابع بیشتر و ارزان‌تر، و کاهش یا حذف مداخله دولت در جست‌وجوی نرخ خالص سود هستند (فرازمند، ۱۹۹۹ و ۲۰۱۲ الف). این اصطلاح مشتق از «نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر»^۱ (گالبریث، ۲۰۰۶)، «نظام ابرسرمایه‌داری»^۲ (ریچ، ۲۰۰۷) و نظام سرمایه‌داری مفرط^۴ است که بر میلیاردها انسان در سراسر دنیا اثر می‌گذارد. برخی معتقدند که جهانی‌سازی، به‌ویژه ساختار اقتصادی در حال تغییر جهانی، تحت تسلط شرکت‌های فراج جهانی قرار دارند که دارای قدرت‌های گسترده مالی، سیاسی و سازمانی هستند و این امر به‌طور معکوس بر اقتصادهای ملی، حکمرانی دموکراتیک و ادار امور عمومی در سراسر دنیا اثر می‌گذارد (فرازمند، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲). برخی دیگر نیز معتقدند که ماهیت و نقش اقتصادی و نظامی دولت تغییر می‌کند تا فرایند جهانی‌سازی سرمایه را تسهیل کند (فرازمند، ۲۰۰۲).

کورتن (۱۹۹۵) معتقد است که در دهه ۱۹۸۰ نظام سرمایه‌داری بر نظام کمونیسم غلبه کرد و در دهه ۱۹۹۰ بر دموکراسی و اقتصاد بازار چیره شد (کورتن، ۱۹۹۵). در دهه‌های اخیر، با افزایش جهانی‌سازی، بسیاری از دولت‌های ملی در سراسر دنیا برخی از قدرت خود را به نهادها و معاهدات بین‌المللی واگذار کردند (راجان، ۲۰۲۰). پس از فروپاشی شوروی سابق، طرفداران ایدئولوژیک جهانی‌سازی شرکتی وعده یک نظم نوین جهانی را دادند و مدعی بودند که نهادها بازار می‌تواند دنیا را بدون هیچ مسئله‌ای مدیریت کند (فریدمن، ۱۹۹۹)؛ اما بحران جهانی نظام سرمایه‌داری شرکتی در سال ۲۰۰۸ یک‌بار دیگر نشان داد که چگونه نهادها بازار به‌شدت دچار ناکامی می‌شوند (فرازمند، ۲۰۱۲ الف). رینهارت (۲۰۲۰) معتقد است همه‌گیری جهانی ویروس کرونا نخستین بحران از دهه ۱۹۳۰ است که هم اقتصادهای پیشرفته و هم اقتصادهای در حال توسعه را درگیر کرده است و آن را به‌عنوان میخ دیگری بر تابوت جهانی‌سازی می‌داند. بسیاری از کشورها گرایش به سمت داخل پیدا کرده‌اند. معماری مالی پس از ویروس کرونا ما را به عصر پیش از جهانی‌سازی برنمی‌گرداند؛ اما آسیب‌های آن بر مالیه و تجارت بین‌المللی احتمالاً گسترده و ماندگار خواهد بود (رینهارت، ۲۰۲۰).

بر اثر عصر جهانی‌سازی شتابنده، نقش سنتی و تاریخی حکومت و دولت تغییر یافته است، و ماهیت تغییر یافته دولت نیز ماهیت فرایندهای حکمرانی و اداره امور را تغییر داده است؛ این امر منجر به تحول عمیق در فلسفه، کارکردها و مبانی نهادی دولت‌ها در سراسر دنیا شده است. تحول دولت و اداره امور، فرایندها، ساختارها و ارزش‌های حکمرانی و اداره امور عمومی را در هر جایی به‌طور عمیق دچار چالش می‌کند، و نیاز برای ظرفیت‌سازی، ارتقاء، و نوآوری در خط‌مشی و مدیریت را ضروری‌تر خواهند شد (فرازمند، ۲۰۰۴، ۲۰۱۲ ب، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷).

پس از بحران اقتصادی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸، همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ یک‌بار دیگر آسیب‌پذیری الگوی اقتصادی و مالی بین‌المللی جاری را به سیاست‌گذاران، جامعه کسب‌وکار و عموم جامعه نشان داد (کادومسِف، ۲۰۲۰). برخی معتقدند که جهانی‌سازی باعث ایجاد رقابت بی‌رحمانه در سراسر دنیا می‌شود و نابرابری را در میان یک ملت و در میان ملت‌ها گسترش می‌دهد (فونتنین، ۲۰۲۰).

فرازمند معتقد است، جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری دولت و ظرفیت‌های نهادی آن را از کار می‌اندازد؛ بخش عمومی را از طریق خصوصی‌سازی نسجیده و مشروعیت‌زدایی از اداره امور عمومی غصب می‌کند؛ قلمرو عمومی را تقلیل می‌دهد و جایگاه دولت و اداره امور عمومی را به حکومت و دولت زورگو، کنترل اجتماعی‌گرا، یا نظامی-امنیتی تنزل می‌دهد؛ و از امکانات دموکراسی و حقوق انسانی در سراسر دنیا می‌کاهد. جهانی‌سازی چپاول‌گر و نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر تهدیدهای

1. Predatory Capitalism
2. Supercapitalism
3. Reich
4. Hypercapitalism
5. Rajan

خطرناک و مرگ‌آوری را برای دموکراسی، حقوق انسانی، دولت، و اداره امور عمومی ارائه می‌کنند (فرازمند، ۱۹۹۹، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ الف). هیچ‌کسی نمی‌تواند یک مورد موجه ارائه نماید که بخش خصوصی و بشردوستانه بتوانند در جریان یک وضعیت اضطرار ملی جایگزینی برای یک دولت شایسته و کارآمد باشند (فوکویاما، ۲۰۲۰ ب).

دولت ریگان^۱ در ایالات متحده (پیترز، ۱۹۹۴) و دولت‌های محافظه‌کار مارگارت تاچر^۲ در دهه ۱۹۸۰ پیش‌تاز اصلاحات مربوط اقتصاد بازار لیبرال بودند که جنبش سرمایه‌داری لیبرال و نئولیبرال را به وجود آورد (اینس^۳، ۲۰۱۸). دولت‌های ایالات متحده و انگلستان در دهه ۱۹۸۰ از طریق ارائه و پیاده‌سازی مفهوم مدیریت دولتی نوین^۴ و اصلاحات دولتی مرتبط با آن توانستند هدف نظام سرمایه‌داری شرکتی و چپاول‌گر را تأمین کنند، و از طریق ارائه این دولت‌ها به‌عنوان دولت‌های کارآمد که از مدیریت دولتی نوین تبعیت کردند، این مفهوم را به سراسر دنیا تجویز کردند تا روند پیاده‌سازی هدف‌های نظام سرمایه‌داری و چالش‌آفرینی برای دولت‌ها و حکومت‌های سراسر دنیا را تسریع کنند. فرازند (۲۰۱۲) معتقد است جزمیت استیلای بازار از طریق مدیریت دولتی نوین گسترش پیدا می‌کند (فرازمند، ۲۰۱۲ الف). در نتیجه، آن چیزی که باقیمانده است، یک «دولت توخالی»^۵ است که مدیریت آن با مسائل و چالش‌هایی همراه است؛ استعاره‌ای که توسط میلوارد و پرووان^۶ (۲۰۰۰) مطرح شد و به معنی خصوصی‌سازی و واگذاری قدرت و تمرکز خدمات از دولت مرکزی به دولت‌های محلی، دستگاه‌های غیرانتفاعی و شرکت‌های خصوصی است (میلوارد و پرووان، ۲۰۰۰). خصوصی‌سازی نسنجیده، برون‌سپاری خدمات عمومی، مدیریت دولتی نوین، اصلاحات مستمر و برنامه‌های تحول در جهت بازارگرایی، تجاری‌سازی و شرکتی‌سازی در جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری شرکتی در سراسر جهان مشارکت می‌کنند. بدون تردید این تغییرات اثرات عمیقی بر حکمرانی و اداره امور عمومی و بر ظرفیت ملی برای توسعه و پیشرفت دارند. دولت و اداره امور عمومی پابرجا هستند؛ اما شخصیت و رفتار آنها توسط جهانی‌سازی به‌طور بنیادین تغییر کرده است و نیازمند نظام حکمرانی و اداره شرکتی بازارمحور است (شولت، ۲۰۰۵؛ فرازند، ۱۹۹۹، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹).

ریگان و تاچر^۷ بر این باور بودند که دولت بزرگ و غیرقابل اعتماد مانعی برای رشد اقتصادی و پیشرفت انسان است. در آن زمان، دلایل خوبی برای اشکال متعددی از مالکیت و کنترل دولت وجود داشت. ریگان در سخنرانی افتتاحیه خود اعلام کرد: «دولت راه‌حل مسائل ما نیست؛ دولت یک مسئله است» (فوکویاما، ۲۰۲۰ ب). در طی ۳۰ سال اخیر، اقتصادهای بازار لیبرال از طریق خصوصی‌سازی، برون‌سپاری، مدیریت‌گرایی داخلی و واحدسازی^۸ یا ایجاد دستگاه‌های جدید مستقل و از طریق رد سیاست‌های صنعتی مداخله‌جویانه و توسعه «شبه-بازارها» در تأمین رفاه، ماهیت دولت‌هایشان را متحول کردند. با این وجود، این اصلاحات مربوط به دولت‌های طرفدار بازار بحران حکومت‌ناپذیری^۹ نوین را موجب شدند که بسیار عمیق‌تر از گذشته است. این اصلاحات دولتی در ارائه دولت کارآمدتر و رشد اقتصادی با جامعیت اجتماعی بیشتر ناکام ماندند؛ اما افزایش بی‌سابقه روزه‌های این دولت‌ها برای مشارکت کسب‌وکار، فساد سیاسی و تعارض منافع بیشتری را ایجاد کرده است (اینس، ۲۰۱۸).

اصلاحات مدیریت دولتی نوین مانند برون‌سپاری و خصوصی‌سازی که مبتنی بر اصول و اندیشه‌های نظام سرمایه‌داری است، مناسب پیگیری نفع عامه نیست. نئولیبرال‌ها معتقد به جهانی‌سازی اقتصاد (در قالب آزادی حرکت و تجارت آزاد)،

1. Reigan's Government
2. Margaret Thatcher's Conservative governments
3. Innes
4. New Public Management
5. the hollow state
6. Milward & Provan
7. Reigan and Thatcher
8. Agencification
9. crisis of ungovernability

خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، آزادسازی بازار و حذف کنترل قیمت، کاستن از موانع تجارت، حذف کسری بودجه، کنترل شدید ارزش پول، ثبات اقتصاد کلان، ریاضت اقتصادی، قطع یارانه‌های دولت، و کاهش حجم و قدرت دولت برای مداخله در مناسبات اقتصادی جامعه و به‌ویژه شرکت‌های خصوصی هستند (بواس و گانس-مورس^۱، ۲۰۰۹) که تضمین‌کننده سودمندگرایی^۲ (اصالت نفع) نظام سرمایه‌داری است. فرازمنند (۲۰۱۲) معتقد است، در طول ۳۰ سال گذشته خصوصی‌سازی راهبردی‌ترین ابزار دستیابی به هدف‌های جهانی‌سازی شرکتی دنیا بوده است؛ به‌طوری‌که دولت‌ها تبدیل به محافظ نظام خصوصی و حافظ نظم و کنترل اجتماعی شدند تا اندازه‌ای که کسب‌وکار بتواند بدون هیچ مداخله یا اختلالی به فعالیت بپردازد (فرازمنند، ۲۰۱۲ الف).

کولیش و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای در مجله نیویورک تایمز^۴، به تأثیر منفی خصوصی‌سازی و برون‌سپاری در بحران همه‌گیری ویروس کرونا اشاره می‌کنند و می‌نویسند: «تلاش‌های متوقف‌شده برای تولید نوع جدیدی از دستگاه‌های تنفسی^۵ ارزان‌قیمت که استفاده از آنها آسان است، خطرات پروژه‌های برون‌سپاری لوازم حیاتی و مهم سلامت عمومی به شرکت‌های خصوصی را برجسته کرده است؛ تمرکز آنها بر بیشینه‌سازی سود همیشه با هدف آمادگی دولت برای بحران آینده سازگار نیست» (کولیش و همکاران، ۲۰۲۰)؛ از این‌رو، چامسکی^۶ معتقد است بیشینه‌سازی سود «همیشه سازگار با» امید برای «بقای بشریت» نیست (پولی‌چرونیو، ۲۰۲۰)، و تصور و انتظار واهی از بازارها برای انجام وظایف دولت بیهوده است. بازار سودی در انجام وظایف و خدمات عمومی نمی‌بیند؛ بنابراین، هیچ چیزی جایگزین یک دولت فعال نمی‌شود (نیویورک تایمز، ۲۰۲۰). یکی از دلایل عمده ناکامی کشورهای توسعه‌یافته غربی از جمله ایالات متحده و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در واکنش نسبت به بحران ویروس کرونا ناشی از ناکامی‌های نهادی دولت‌ها، نهادهای دولتی، و نهادهای شبه‌دولتی و شبه‌عمومی است که خدمات عمومی را ارائه می‌کنند و به منافع گسترده جامعه خدمت می‌کنند. به اعتقاد پراشاد^۷ (۲۰۲۰)، حکومت‌های غربی که توسط سیاست‌های ریاضتی و خصوصی‌سازی بلعیده شدند و این سیاست‌ها کارآمدتر از نهادهای حکومتی آنها هستند، اکنون در مواجهه با بحران ناشیانه عمل می‌کنند. در غرب، دولت‌ها را به‌عنوان دشمن پیشرفت مورد تهاجم قرار می‌دهند و کشوری که از یک دولت و ساختار حکومتی قدرتمند برخوردار است را به‌عنوان «خودکامه»^۸ توصیف می‌کنند. دستاورد مهم نظام سرمایه‌داری ریاضت‌طلبانه مشروعیت‌زدایی از نهادهای حکومتی (به‌ویژه نهادهایی که رفاه جامعه را ارتقاء می‌بخشند) است (پراشاد، ۲۰۲۰).

۳- حکمرانی و اداره امور عمومی در نظم نوین جهانی

دولت‌ها نسبت به توانمندی‌شان در موقعیت‌های عادی، اضطراری و بحران مورد قضاوت قرار می‌گیرند. این توانمندی از طریق ظرفیت‌های نهادی و سازمانی عمومی برای ارائه خدمات کیفی تعیین می‌شود. ظرفیت راهبردی برای مدیریت سازمان‌های پیچیده باید نشان‌دهنده اثربخشی در ارائه خدمات باشد. این ظرفیت راهبردی مهم‌ترین وظیفه و مسئولیت حکمرانی و اداره امور عمومی است. عملکرد دولت‌ها تعیین‌کننده میزان مشروعیت سازمان‌های دولتی در میان شهروندان و در جامعه بین‌الملل است (فرازمنند، ۲۰۰۹). خدمات سلامت یکی از انواع مهم خدماتی است که دولت‌ها به شهروندان خود ارائه می‌کنند؛ به‌طوری‌که نظام‌های حکمرانی آمریکا و اتحادیه اروپا در آزمون سخت بحران کرونا ناکام ماندند. ناتوانی و ناکامی آنها در تأمین

1. Boas & Gans-Morse
2. Utilitarianism
3. Kulish et al.
4. The New York Times
5. Ventilators
6. Noam Chomsky
7. Prashad
8. Authoritarian

نیازها و مطالبات جامعه مانند تأمین اجتماعی، ارائه خدمات عمومی مطلوب مانند خدمات سلامت، ناتوانی در آماده‌سازی، پیشگیری، مدیریت و رهبری بحران کرونا، تأمین کالاها و اقلام بهداشتی موردنیاز مردم و کسانی که در نظام سلامت در خط مقدم مبارزه با کرونا قرار دارند، ناتوانی اتحادیه اروپا در تحقق حکمرانی تعاملی و شبکه‌ای و تحقق شعارهای اتحادیه اروپا از جمله یکپارچگی، همکاری و مرزهای گشوده^۱ (کینون، ۲۰۲۰)، فضاقت و رسوایی ایالات متحده در سرقت لوازم بهداشتی سایر کشورها، و ناتوانی دولت فدرال در کمک‌رسانی به ایالت‌های مختلف آمریکا، نارضایتی مردم ایالت‌ها را به همراه دارد که میزان حکومت‌پذیری در این کشورها را به پایین‌ترین سطح ممکن تقلیل می‌دهد؛ بحران شیوع ویروس کرونا، چالش‌های بسیار شدید و مهلکی را برای نظام حکمرانی و اداره امور عمومی ایجاد کرده است و بحران حکومت‌پذیری نظام‌های حکمرانی آمریکا و اتحادیه اروپا (که در سال‌های گذشته ظهور و بروز کرده‌اند) را تشدید کرده است.

مقام معظم رهبری به شکست آمریکا و کشورهای غربی در رویارویی با همه‌گیری جهانی ویروس کرونا در عرصه‌های مختلف توانایی‌های مدیریتی، فلسفه اجتماعی، و نمایش اخلاق عمومی اشاره می‌کنند و معتقدند که لازم است این ناکامی‌ها و شکست‌ها دیده و دانسته شود؛ به این دلیل که انتخاب سرنوشت‌های مهم ملت‌ها به این دانستن‌ها بستگی دارد^۲.

آن دسته از نظام‌های حکمرانی و اداره امور عمومی که توانستند با توجه به منابع و امکانات خود و با کمترین هزینه و تلفات مالی و جانی بر این ویروس و ناهنجاری‌های عمومی و حکمرانی ناشی از آن غلبه کنند و نظام اقتصادی که آسیب‌پذیرترین زمینه در جبهه مواجهه با بحران ویروس کرونا بوده است را حفظ کنند، می‌توانند به‌عنوان سرمشق‌ها و الگوهایی برای نظام‌های حکمرانی و اداره امور عمومی در سراسر دنیا ایفای نقش کنند، مناسبات معمول دنیا را تغییر داده و نظم نوین جهانی را طرح‌ریزی کنند. همه‌گیری جهانی ویروس کرونا کیفیت دولت‌ها را آشکار کرده و ضرورتی جهانی برای تجدید بنای نظام‌های حکمرانی را ایجاد کرده است. جمهوری اسلامی ایران، چین، کره جنوبی، روسیه، سنگاپور، ژاپن و برخی دیگر از کشورهای شرق آسیا الگوهایی از نظام‌های موفق و کارآمد حکمرانی هستند که نظم نوین جهانی را شکل می‌دهند؛ به‌طوری‌که تراوب^۳ (۲۰۲۰) معتقد است آینده آسیایی است و صرفاً متعلق به چین نیست (تراوب، ۲۰۲۰). البته با توجه به پیشینه نظری و فلسفی مدیریت دولتی در ایران، چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و شمالی، چه در دوران باستان و چه در دوران معاصر (فرازمند و بالیلج^۴، ۲۰۱۵) نشان‌دهنده الگوهای فلسفی، اخلاقی، معنوی و عملی اداره امور عمومی است که توانسته‌اند جوامع هزاران - ساله را مدیریت کنند. این الگوهای معاصر در همه‌گیری جهانی ویروس کرونا نیز توانستند این بحران را به‌صورت مطلوبی مدیریت و رهبری کنند و نشانه‌هایی از حکمرانی و اداره امور عمومی مطلوب را به نمایش بگذارند؛ چیزی که نظام‌های حکمرانی غربی و آمریکایی قادر به انجام آن نبودند.

فوکویاما (۲۰۲۰) معتقد است (۱) ظرفیت دولت (یک دستگاه دولتی شایسته)؛ (۲) اعتماد اجتماعی (دولتی که شهروندان به آن اعتماد دارند و به آن گوش می‌دهند)، و (۳) رهبری اثربخش سه عامل موفقیت دولت‌ها در مواجهه با کرونا هستند. کشورهایی که دارای دولت‌های ناکارآمد، جوامع قطبی، یا رهبری ضعیف هستند، شهروندان و اقتصادشان را آسیب‌پذیر رها می‌کنند. وی معتقد است که ایالات متحده دارای ظرفیت دولتی گسترده‌ای است؛ اما جامعه کنونی آن به شدت قطبی است و دارای رهبر ناشایسته‌ای است که مانع عملکرد اثربخش دولت می‌شود (فوکویاما، ۲۰۲۰ ب). فوکویاما (۲۰۲۰) علی‌رغم اینکه به‌طور قاطع از نظام‌های لیبرال-دموکراسی دفاع می‌کند و انتقادات مربوط به آن را مردود می‌داند، معتقد است که نوع حکومت (دموکراسی یا خودکامه) تعیین‌کننده عملکرد نیست؛ بلکه ظرفیت حکومت و بالاتر از آن اعتماد به دولت تعیین‌کننده عملکرد است (فوکویاما، ۲۰۲۰ الف و ۲۰۲۰ ب).

1. solidarity, cooperation and open borders

۲. بیانات در ارتباط تصویری با ستاد ملی مبارزه با کرونا، ۱۳۹۹/۰۲/۲۱: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45562>

3. Traub

4. Farazmand & Balilaj

۴- حکمرانی حکیمانه: چشم‌انداز جدید حکمرانی و اداره امور عمومی

حکمرانی حکیمانه رویکردی عقلانی، دینی، ارزشی و اخلاقی به حکمرانی است. حکمرانی حکیمانه، برخلاف ماهیت هنجاری حکمرانی خوب و استانداردهای تجویزی آن، مبتنی بر اقدامات «اینجا و اکنون» و پیگیری نفع عامه است. برخلاف حکمرانی و اداره سنتی خودکامه که مبتنی بر تصمیم‌گیری و اجرای یک‌جانبه دولت بوروکراتیک است، حکمرانی حکیمانه ارائه‌دهنده روش جدید تفکر، حکمرانی و اداره با فلسفه‌های جدید و رویکردهای جدیدی است که مدعی مشارکت گسترده شهروندان، بازخوردهای آنان، و ورود مردم، جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی به فرایندهای حکمرانی و اداره امور عمومی است. طرفداران مدیریت دولتی نوین مسائل و موضوعات قابل بحث برابری، عدالت، پاسخگویی، انحصارگری، یا ماهیت انحصارطلبی چندقطبی شرکت‌های جهانی را نادیده می‌گیرند یا از آنها اجتناب می‌کنند و خواهان تغییر حکمرانی و دولت به ترتیبات سازمانی مبتنی بر بازار هستند که در آن بخش خصوصی غالب بر بخش عمومی و ارائه خدمات عمومی است. ما در این مقاله تعریفی جامع از «حکمرانی حکیمانه» ارائه می‌دهیم:

حکمرانی حکیمانه^۱ عبارت است از (۱) سازوکارها، فرایندها، ساختارها، و نهادهای اجرایی، تقنینی، قضائی، و نظامی (۲) کنش‌گرایی (۳) که به منظور اعمال اقتدار یک حکومت و (۴) در جهت مدیریت امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اجرایی کشور (۵) با شبکه‌ای از شهروندان، جامعه مدنی، بخش خصوصی، و سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، و سایر ذی‌نفعان بالقوه محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی (۶) به دور از منافع سلطه‌جویانه و سیاست‌های مداخله‌جویانه (با احترام به استقلال و آزادی عمل هر یک از ذی‌نفعان) و (۷) بر اساس اصول بنیادین «عزت، حکمت و مصلحت» و (۸) اعتماد و احترام متقابل (۹) (در قالب مذاکره، معاهده، و توافقات دو یا چندجانبه) تعامل و همکاری داشته و (۱۰) قضاوت‌ها، خط‌مشی‌ها، تصمیم‌ها، قوانین، و اقدامات حکیمانه و درستی را (۱۱) بر اساس اقتضائات، اصول، هنجارها، و ارزش‌های انسانی، اخلاقی، و فرهنگی (نظام ارزشی) مورد قبول جامعه (۱۲) در جهت ارائه خدمات عمومی، حل مسائل اجتماعی، فرصت‌سازی، ارزش‌آفرینی، تحقق ارزش‌های اجتماعی، تحقق رفاه، برقراری عدالت، تحقق دموکراسی حقیقی^۲، تحقق خواست و اراده شهروندان، پیگیری نفع عامه، و (۱۳) تبدیل جامعه و دنیا به مکان بهتری برای زندگی همه ذی‌نفعان به کار می‌گیرند.

کل فرایند نظام حکمرانی و اداره امور باید نفع عامه را دنبال کند. لوین^۳ (۱۹۹۱) معتقد است که مفاهیم جمعی از قبیل «منفعت جامعه^۴»، «نفع عامه^۵»، «خواست مردم^۶»، و «منفعت ملی^۷» تنها می‌تواند از طریق مجموع ترجیحات یکایک افراد مجزا تعیین شود (لوین، ۱۹۹۱). تمام سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، تصمیمات، و اقدامات دولت‌ها، و نظام‌های حکومتی و حکمرانی باید مبتنی بر اصول، هنجارها و ارزش‌ها (بایدها و نبایدهای) اخلاقی، معنوی و انسانی باشد تا نفع عامه و ارزش‌های زندگی انسان را در مسائل گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیط‌زیستی، و فناورانه در عرصه‌های گوناگون محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شناسایی کرده و محقق کنند. مقام معظم رهبری در رابطه هدف یک اقتصاد سالم معتقدند:

1. Wise Governance

۲. «دموکراسی حقیقی» به معنای واقعی کلمه مانند «مردم‌سالاری دینی» در جمهوری اسلامی ایران است که نقطه مقابل لیبرال-دموکراسی آمریکایی است که تحت انقیاد آلیگارش و نظام سرمایه‌داری است. ماهیت واقعی دموکراسی آمریکایی را می‌توان در حوادث قبل و بعد از انتخاب ریاست‌جمهوری ۳ نوامبر ۲۰۲۰ (۱۳ آبان ۱۳۹۹) و عدم‌پذیرش نتایج انتخابات توسط رئیس‌جمهور وقت آمریکا و اشغال کنگره آمریکا توسط طرفداران در ۵ و ۶ ژانویه ۲۰۲۱ مشاهده کرد.

3. Lewin

4. the public interest

5. the common good

6. the will of the people

7. the national interest

«هدف اقتصاد عبارت است از تولید ثروت و تقسیم عادلانه‌ی آن. یک اقتصاد سالم این‌جور اقتصادی است که بتواند ثروت را در کشور تولید کند و آن را به نحو عادلانه و صحیح بین آحاد مردم کشور تقسیم کند؛ این اقتصاد، اقتصاد سالمی است»^۱. شبکه خودسامان نهاد جدید غالب بر حکمرانی است؛ یعنی مجموعه ناپایداری از سازمان‌های بخش‌دولتی، خصوصی و داوطلب که دارای منافع مشترک هستند، اطلاعات تخصصی را تبادل می‌کنند، و هدف‌های مشترک را مورد مذاکره قرار می‌دهند. این سازمان‌ها به جای اینکه مدیریت شوند، تعاملی عمل می‌کنند، با حداقل مقررات فعالیت می‌کنند، و اعضای شبکه به تنهایی یا با همدیگر بخشی از برنامه‌های دولت را مدیریت می‌کنند. نتیجه آن چیزی است که رودز (۱۹۹۶) آن را «حکمرانی بدون دولت»^۲ می‌نامد. البته رودز نیز اعتراف می‌کند که حکمرانی نوین اثرات زیان‌باری در انگلستان داشته است و نظام‌های خط‌مشی جدا از هم را ایجاد کرده است که هماهنگی بسیار ضعیفی دارند و از پاسخگویی حقیقی برخوردار نیستند (رودز، ۱۹۹۶). او می‌گوید برخی از شبکه‌ها تبدیل به دولت‌های خصوصی‌ای می‌شوند که توسط افراد درونی اداره می‌شوند؛ افرادی که به دنبال تأمین منافع خودشان هستند، نه منافع جامعه (گودسل^۳، ۲۰۰۶). سالامون^۴ (۲۰۰۲) معتقد است که اداره امور عمومی از مدیریت مستقیم به استفاده از ابزارهای اجرایی سه‌بخشی تغییر یافته است که اکنون از طریق مذاکره و اقناع حاصل می‌شود؛ اما او هشدار می‌دهد که یک دولت قوی و شایسته باید وجود داشته باشد تا اطمینان حاصل نماید که منافع خصوصی بر نفع جامعه رجحان پیدا نکنند (سالامون، ۲۰۰۲). گودسل (۲۰۰۶) مفهوم «حکمرانی عمومی یکپارچه»^۵ را ارائه می‌کند و معتقد است که فعالیت‌های عمومی پراکنده باید از نقطه‌نظر نقش مرکزی دولت و مشارکت اداره امور عمومی در آن نقش یکپارچه شوند. دولت مسئولیت کنترل شبکه‌های حکمرانی را بر عهده دارد (گودسل، ۲۰۰۶).

با توجه به تغییرات به وجود آمده توسط همه‌گیری ویروس کرونا و آشکار شدن ماهیت کارآمد یا ناکارآمد نظام‌های دولتی و حاکمیتی کشورهای دنیا و ضرورت نگاه به درون و ملی‌گرایی تقریباً در همه کشورهای دنیا، پس از ۴۰ سال تسلط و استیلای جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر که در قالب اصلاحات مدیریت دولتی نوین و طرح‌هایی مانند خصوصی‌سازی، شرکتی‌سازی، تجاری‌سازی، برون‌سپاری و اقتصاد بازار، نقش دولت و نهادهای دولتی را به حداقل ممکن کاهش داد و به کنترل اجتماعی، نظامی‌گری، و ایجاد نظم و امنیت اقتصادی برای صاحبان سرمایه و نظام سرمایه‌داری محدود کرد، اکنون زمانی برای بازگشت دولت و ادارل امور عمومی از حاشیه به متن است و فرصتی برای شکوفایی و بلوغ حکمرانی و اداره امور عمومی است. برخلاف نظر اندیشمندان درخصوص بازگشت به دولت‌های بزرگ آمر و سلطه‌گر در دوران پس از کرونا و نقش و اثرگذاری بیشتر آن‌ها در اقتصاد (فارن پالیسی^۶، ۲۰۲۰) به دلیل وجود دولت‌های حداقلی و نقش پررنگ بخش خصوصی، بازار و نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر و نقش حداقلی جامعه مدنی و شهروندان و بخش سوم و داوطلب، که بیشتر در مورد ایالات متحده و کشورهای اروپایی صادق است، ما معتقدیم چشم‌انداز پیش روی حکمرانی و اداره امور عمومی (شکل شماره ۱) بیانگر سهم آن در ابعاد چهارگانه (۱) ملی‌گرایی به معنای درون‌گرایی، توجه به داخل و ظرفیت‌سازی درونی دولت؛ (۲) جامعه و نظام مردم-سالار؛ (۳) جهانی‌شدن عاقلانه (در قالب همکاری منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی)، و (۴) رهبری عمومی حکیمانه است (شکل ۲). تفکیک قوا و توازن قدرت میان قوای مجریه، مقننه و قضائیه، رسانه‌ها، جامعه مدنی و شهروندان، و نیز تقویت دولت‌های محلی و مدیریت‌ها در سطوح مختلف محلی و ملی، به جای خدمت به منافع سیاسی، خدمت به رفاه جامعه را تضمین می‌کند. برخلاف اداره امور عمومی سنتی و کهن که قلمروهای سیاسی و اداری و ارائه خدمات به‌طور کامل در اختیار سازمان‌ها و نهادهای بخش دولتی بوده است، و نیز برخلاف اصلاحات مدیریت دولتی در قالب مدیریت دولتی نوین، دولت کارآفرین و مدیریت‌گرایی که

۱. بیانات رهبری در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45517>

2. Governance without government
3. Goodsell
4. Salamon
5. Integrated Public Governance
6. Foreign Policy

قائل به دولت‌های حداقلی و نقش فزاینده بازار و بخش خصوصی در سیاست، اقتصاد و جامعه بود؛ چشم‌انداز جدید حکمرانی بر نقش‌های شبکه‌ای، مشارکتی، تعاملی، و متوازن و متعادل حکمرانی دولت، بازار، جامعه مدنی و شهروندان تأکید می‌کند. این ابعاد چهارگانه به شدت با یکدیگر در تعامل هستند؛ به طوری که تعامل کارآمد میان آنها منجر به شکوفایی و رونق جوامع می‌شود. کارکرد و کیفیت مطلوب نظام حکمرانی که حاصل تنوع، پیچیدگی، پویایی و مقیاس تعاملات میان این کنش‌گران است، می‌تواند بر حکومت‌پذیری نظام‌های اجتماعی اثرگذار باشد که دربرگیرنده نظام حکمرانی (حکمرانی‌کنندگان)، حکمرانی-شوندگان و تعاملات میان آنهاست. حکومت‌پذیری برآیند ابعاد چهارگانه درون‌گرایی، مردم‌سالاری، جهانی‌شدن عاقلانه و رهبری عمومی حکیمانه است.

باید توجه داشت که وجود شبکه‌های خط‌مشی و حکمرانی شبکه‌ای (کویمان، ۱۹۹۳)، در مفهومی که در کشورهای غربی وجود داشت، در سالیان اخیر و به‌ویژه در دوران همه‌گیری بحران کرونا دچار ناکامی و شکست شده است؛ به این دلیل که دولت را از فرآیند حکمرانی کنار گذاشته است (رودز، ۱۹۹۶) و یک دولت توخالی را ایجاد کرده است (میلوارد و پرووان، ۲۰۰۰). باید پذیرفت که در مدیریت و اداره امور عمومی و نظام حکمرانی نوین، دولت نقش محوری و تنظیمی دارد؛ به این دلیل که سایر بخش‌های حاضر در نظام حکمرانی که برای خود سود و منفعتی در بسیاری از مسائل و موضوعات عمومی و اجتماعی مانند رفاه جامعه، ارائه خدمات عمومی و خدمات بهداشتی متصور نیستند، به سختی در این موضوعات مشارکت می‌کنند، به‌ویژه در زمان اضطرار و در جریان بحران‌ها، نگاه جامعه و شهروندان به دولت‌ها است و آنها هستند که می‌توانند مدیریت و رهبری را به دست گیرند. آن‌گونه که تعریف پیش‌گفته ما از «حکمرانی حکیمانه» نشان می‌دهد، اعمال اقتدار حکومت و ارائه خدمات عمومی، حل مسائل اجتماعی، فرصت‌سازی، ارزش‌آفرینی، تحقق ارزش‌های اجتماعی، تحقق رفاه، برقراری عدالت، تحقق دموکراسی حقیقی، تحقق خواست و اراده شهروندان، و پیگیری نفع عامه مستلزم وجود یک دولت قدرتمند، فعال و کنش‌گرا (نه در مفهوم یک دولت حداکثری، بزرگ و منفعل) است.

۴-۱- ملی‌گرایی یا درون‌گرایی (ظرفیت‌سازی درونی)

ملی‌گرایی یا درون‌گرایی به معنای گرایش به سمت داخل کشور و توجه به توانمندی‌های داخلی، مانند اقتصاد مقاومتی، نگاه به داخل و حمایت از تولیدات داخلی^۱، و حفظ و تقویت استحکام درونی ملت‌ها و دولت‌هاست. این بعد از زاویه دید اداره امور عمومی به نظام حکمرانی می‌نگرد که متمرکز بر سازمان اجرایی دولت، ارائه خدمات عمومی و تأمین کالای ضروری جامعه است. درون‌گرایی با تأکید بر نقش محوری اداره امور عمومی، تأمین‌کننده و حافظ اصول مردم‌سالاری است. کریستینسن و لاگرید^۲ (۲۰۲۰) دولت نروژ را در مدیریت بحران همه‌گیری جهانی ویروس کرونا مورد بررسی قرار داده و دریافته‌اند که نروژ، در مقایسه با بسیاری از کشورها، در مدیریت این بحران به خوبی عمل کرده است. آنها معتقدند که این عملکرد خوب باید در زمینه سیاست‌گذاران شایسته، یک جامعه با اعتماد بالا نسبت به بوروکراسی معتبر و حرفه‌ای، یک دولت قوی، یک وضعیت اقتصادی خوب، یک دولت رفاه بزرگ، و تراکم پایین جمعیت فهمیده شود.

۴-۲- مردم‌سالاری (شبکه‌سازی میان بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش سوم)

مردم‌سالاری از زاویه دید جامعه مدنی به حکمرانی می‌نگرد که به معنای توانمندسازی و بهره‌مندی از دانش و توانمندی‌های جامعه مدنی و شهروندان، مشارکت عمومی، قدرت بسیج‌کنندگی آحاد جامعه، و نیز مشروعیت، اعتمادپذیری و ارتقای حکومت‌پذیری در نظام حکومتی است. حکمرانی شبکه‌ای (رودز، ۲۰۱۲)، شبکه‌های خط‌مشی (انروث^۳، ۲۰۱۱)،

1. egotism and protectionism
2. Christensen & Læg Reid
3. Enroth

حکمرانی همکارانه (آنسِل و گَش^۱، ۲۰۰۸)، حکمرانی مشارکتی (فیشر^۲، ۲۰۱۲)، حکمرانی تعاملی (تورفینگ و همکاران، ۲۰۱۲)، و حکمرانی تفسیری (رودز، ۲۰۱۲) از جمله رویکردهای اثربخش حکمرانی هستند که در تحقق مردم‌سالاری مشارکت می‌کنند.

۳-۴- جهانی‌شدن عاقلانه (در مقابل مفهومی از جهانی‌سازی که اکنون ادراک می‌شود)

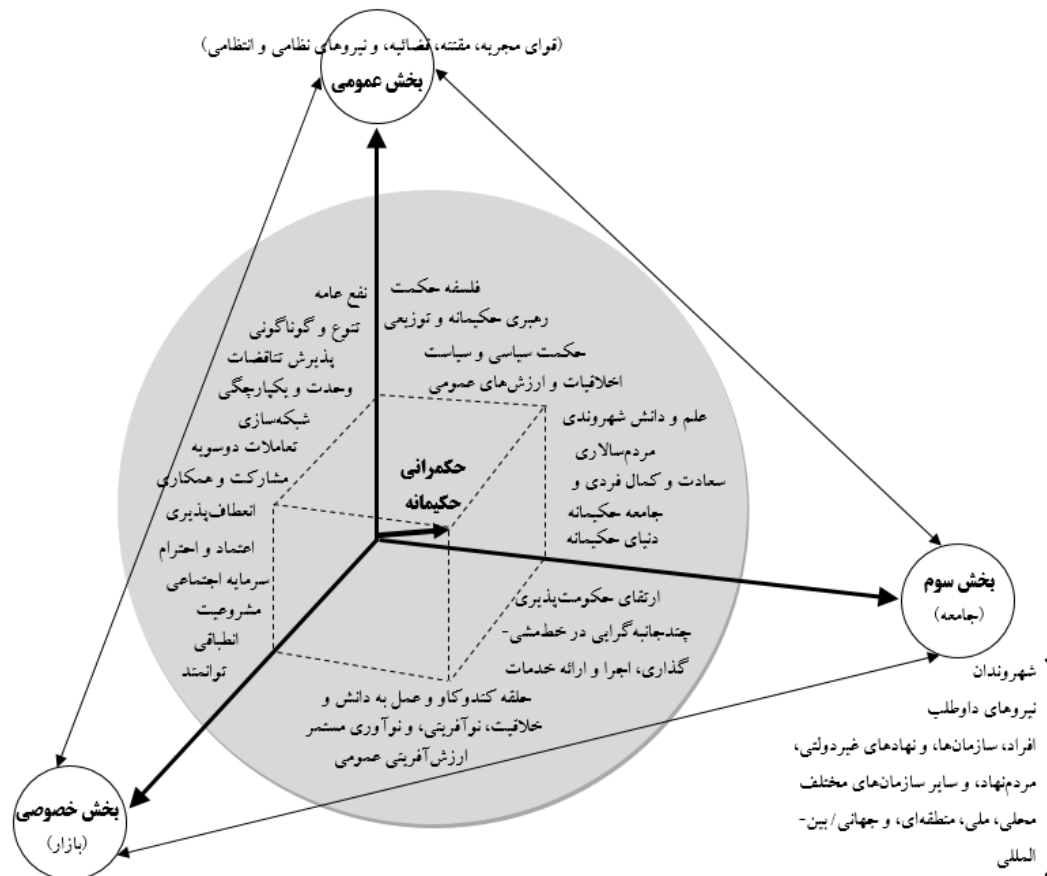
جهانی‌سازی رویکردی محتوم است که دولت و نظام حکمرانی را در یک وضعیت بی‌اختیار و منفعلانه قرار می‌دهد؛ اما در جهانی‌شدن عاقلانه^۳، دولت و نظام حکمرانی رویکردی فعال و کنش‌گرا در پیش می‌گیرد و غرق در فرایند جهانی‌سازی تحت استیلای نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر نمی‌شوند. این بعد به معنای ایجاد روابط و همکاری‌های بین‌المللی با سایر کشورها و ملت‌ها بر اساس درک و فهم متقابل، دو یا چندجانبه‌گرایی، اعتماد و احترام متقابل، ایجاد شبکه‌های همکاری و تعاملی بین‌المللی در مورد مسائلی مانند بحران ویروس کرونا، مسائل سیاسی، اقتصادی، محیط‌زیستی، و ... در سطوح مختلف منطقه‌ای و جهانی و بین‌المللی است. این بعد، بیشتر از زاویه دید بازار و بخش خصوصی و بر حسب ارزش‌های بخش خصوصی و فرهنگ کسب‌وکار به نظام حکمرانی می‌نگرد و در جست‌وجوی پیشرفت اقتصادی از طریق روابط تجاری و مالی بین‌المللی است.

۴-۴- رهبری عمومی حکیمانه^۴

مهم‌ترین و محوری‌ترین عنصر در حکمرانی حکیمانه است؛ به طوری که توازن و تعادل تعاملات میان ابعاد سه‌گانه فوق مستلزم رهبری درست و حکیمانه نظام حکمرانی است. بحران‌ها فرصتی را برای اثبات شایستگی‌ها (میشرا^۵، ۱۹۹۶)، تعیین علت‌ها، آزمون قابلیت‌ها، و شناسایی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف رهبری بحران در واکنش نسبت به بحران و اقدامات اصلاحی مبتنی بر این درک را به وجود می‌آورند (بوین و همکاران، ۲۰۰۵)، و رهبری بحران مستلزم توانایی در اتخاذ تصمیم‌های سریع و حکیمانه^۶ است (جیمز و ووتن^۷، ۲۰۰۵). بحران‌ها فرصت‌هایی را برای شکل‌دادن به یک جامعه بهتر فراهم می‌کنند که نیازمند رهبری است (نیویورک تامیز، ۲۰۲۰). در زمان بحران، شهروندان به رهبران خود (رؤسای جمهور و شهرداران، سیاست‌گذاران محلی و مدیران منتخب، مدیران دولتی و مستخدمان عالی رتبه دولتی) نگاه می‌کنند. از خط‌مشی‌گذاران انتظار دارند تا از تهدید پیشگیری کنند یا دست کم آسیب بحران‌ها را در حد امکان کاهش دهند. آنها باید از جامعه حفاظت کنند، آنها را در جهت خروج از بحران هدایت کنند، و ظرفیت‌های فردی و گروهی را برای آمادگی بهتر برای غلبه بر اثرات زیان‌بار بحران‌ها تقویت کنند. آنها باید تشریح کنند که چه کارهایی نادرست است و باید به جامعه بقبولانند که این بحران دوباره اتفاق نمی‌افتد (بوین و همکاران، ۲۰۰۵: ۱). توانایی مدیریت و رهبری بحران یکی از عوامل اثرگذار بر شایستگی، مشروعیت و اعتمادپذیری نظام حکمرانی و اداره امور عمومی است. اگر نظام حکمرانی قادر باشد تا بحران را به درستی مدیریت و رهبری کند، درس‌های ناشی از بحران را بیاموزد، اصلاحات موردنیاز را انجام دهد، از فرصت‌های به‌وجودآمده در بحران بهره‌برداری کند، توانمندی‌ها و آمادگی‌های خود برای بحران‌های آینده را افزایش دهد، و بحران‌های پس از هر بحران را رهبری کند، می‌تواند با جلب اعتماد و حمایت جامعه و شهروندان، مشروعیت بیشتری کسب کند و جایگاه خود در میان جامعه و شهروندان را مستحکم‌تر نماید.

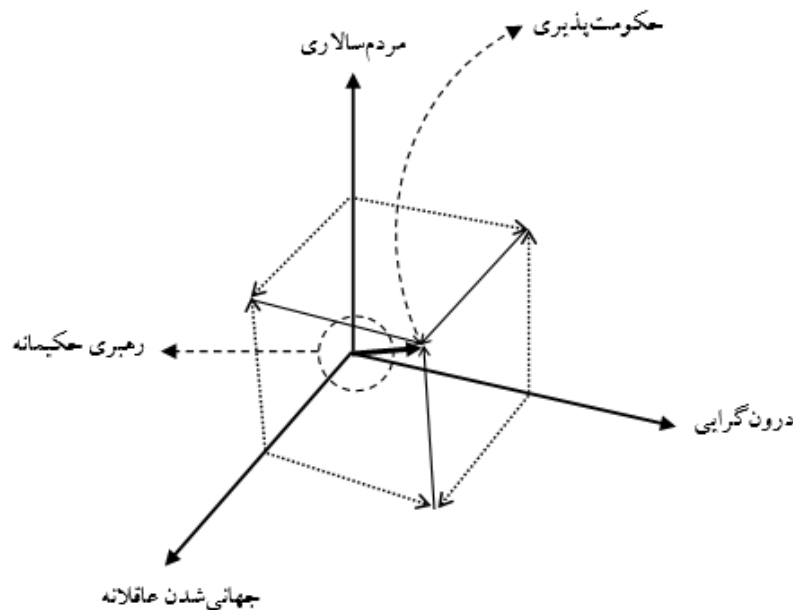
1. Ansell & Gash
2. Fischer
3. Rational Globalization
4. Wise Public Leadership
5. Mishra
6. ability to make wise and rapid decisions
7. James & Wooten

علی‌رغم اینکه پوزن^۱ (۲۰۲۰) معتقد است که ملی‌گرایی اقتصاد هرگز خودکفایی کاملی را ایجاد نخواهد کرد و دولت‌ها را به صورت فزاینده در جهت قطع اقتصادشان از باقیمانده دنیا هدایت می‌کند (پوزن، ۲۰۲۰)، و فوکویاما (۲۰۲۰) نیز نگاهی بدبینانه نسبت به نظم نوین جهانی دارد و معتقد است که ملی‌گرایی، انزواگرایی، بیگانه‌هراسی^۲ و حمله به نظم جهانی لیبرال سال‌هاست که افزایش یافته است و روند آن صرفاً از طریق همه‌گیری جهانی تسریع شده است، و معتقد است که ظهور ملی-گرایی احتمال وقوع تعارضات بین‌المللی را افزایش می‌دهد (فوکویاما، ۲۰۲۰ب)؛ اما استیگلیتز^۳ (۲۰۲۰) معتقد است که بحران ویروس کرونا با قدرت یادآور می‌شود که دولت-ملت^۴ هنوز واحد اصلی سیاسی و اقتصادی است. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ به ما آموخت که نظام کوته‌بینانه و نامنعطف به‌هم‌پیوسته مالی در ظاهر کارآمد و خوب، از لحاظ ساختاری بسیار شکننده بود و نتوانست تکان‌های کوچک را تحمل کند. نظام اقتصادی پس از ویروس کرونا باید دوراندیشانه باشد، بسیار منعطف باشد، و نسبت به این واقعیت که جهانی‌سازی اقتصاد بسیار سریع‌تر از جهانی‌سازی سیاسی است، باید بسیار حساس باشد. کشورها باید تلاش کنند تا میان بهره‌برداری از مزیت‌های جهانی‌سازی و یک میزان ضروری از خودکفایی توازن بهتری ایجاد کنند (استیگلیتز^۴، ۲۰۲۰).



شکل ۱- چارچوب مفهومی حکمرانی حکیمانه (چشم‌انداز جدید حکمرانی و اداره امور عمومی)

1. Posen
2. xenophobia
3. nation-state
4. Stiglitz



شکل ۲- ابعاد چهارگانه ملی گرایی (درون گرایی)، مردم سالاری، جهانی سازی عاقلانه و رهبری عمومی حکیمانه در چارچوب مفهومی حکمرانی حکیمانه

در زمان وقوع بحران‌هایی مانند شوک نفتی سال ۲۰۰۵، بحران اقتصادی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹، و بحران همه‌گیری جهانی ویروس کرونا که اقتصاد و زندگی مردم سراسر دنیا را تحت تأثیر قرار داده‌اند، این نمودار مفهومی به خوبی عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که ملی گرایی و گرایش به ساختارهای داخلی و تقویت وضعیت اقتصادی و اجتماعی داخل کشور باعث استحکام ساخت درونی آن می‌شود و کمترین تأثیر را از تکانه‌های بین‌المللی می‌پذیرد. انزوا (یا درون گرایی) خودخواسته اقتصادی ملت‌ها و جوامع و دولت‌ها، به جای توجه به کمک‌ها و یکپارچگی اجباری بین‌المللی، منجر به استقلال اقتصادی و سیاسی ملت‌ها می‌شود، ساختار اقتصادی کشورها و ملت‌ها را بدون کمک قدرت‌های بزرگ جهان تقویت می‌کند، کاهش آسیب‌پذیری‌ها با توجه و تکیه بر ظرفیت‌های درونی ملت‌ها و قطع یا کاهش وابستگی ملت‌ها و دولت‌ها به قدرت‌های جهانی و رهایی آنها از استعمار و استثمارگری را به همراه دارد، و در نتیجه، موجب افزایش قدرت، مقبولیت، اعتمادپذیری، و مشروعیت دولت‌های موفق در مقابل کرونا می‌شود.

در کنار دولت‌سازی (یعنی ایجاد سازوکارها، فرایندها، ساختارها، و نهادهای اجرایی، تقنینی، قضائی و نظامی به منظور اعمال اقتدار یک حکومت و در جهت مدیریت امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اجرایی کشور)، ملت‌سازی (یعنی ایجاد هویت ملی مشترک، ایجاد وحدت و یکپارچگی میان کنش‌گران متعدد ملی و ایجاد اعتماد و احترام متقابل میان آنها) یکی از کارکردهای مهم حکمرانی حکیمانه است که از طریق مردم‌سالاری میسر می‌شود. بسیاری از نظام‌های سیاسی و حاکمیتی دنیا مانند ایالات متحده در دولت‌سازی^۱ و ایجاد ساختارها، نهادها، و سازوکارهای حاکمیتی و اجرایی توفیقاتی داشته‌اند؛ اما نسبت به ملت‌سازی^۲ و ایجاد یک هویت جمعی مشترک در میان جامعه و شهروندان‌شان ناکام بوده‌اند؛ به طوری که فوکویاما (۲۰۲۰ب) معتقد است آمریکا ظرفیت دولتی بالقوه گسترده‌ای دارد؛ اما دارای یک جامعه قطبی است (فوکویاما، ۲۰۲۰ب).

1. State-building
2. Nation-building

برخلاف ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران، با وجود تفاوت‌های اقلیمی، فرهنگی و نژادی، در ملت‌سازی موفق بوده و به-عنوان یک مجموعه، دارای یک هویت ملی مشترک است.

از طرفی، وجود یک نظام مردم‌سالار قدرتمند که منافع عامه جامعه و شهروندان را در نظر می‌گیرد و هدایت فکری و ذهنی جامعه را بر عهده دارد، می‌تواند عدالت را برقرار کرده، خدمات عمومی و بهداشتی مناسب را ارائه نماید، شرایط اشتغال را فراهم کند، و شرایط اقتصادی جامعه را بهبود بخشد، و در نتیجه اعتماد جامعه و شهروندان را کسب کرده، مشروعیت نظام سیاسی تضمین می‌شود، و میزان حکومت‌پذیری افزایش پیدا می‌کند. وجود یک چنین نظام مردم‌سالار شایسته و کارآمد، به-ویژه در زمان‌های بحران، باعث می‌شود تا درک و فهم مشترکی میان رهبران، مدیران و حکمرانان کشور و جامعه و شهروندان شکل گیرد، مردم از کارآمدی نظام حاکم و شایستگی و خیرخواهی حکمرانان آگاهی داشته و نسبت به آن اعتماد داشته باشند، در نتیجه، قدرت بسیج‌کنندگی^۱ نظام حاکمیتی در جهت مقابله با بحران‌ها و غلبه بر آن‌ها را افزایش می‌دهد، که ناشی از فرهنگ‌سازی و رهبری فکری جامعه و متقاعدسازی از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و روابط رسانه‌ای می‌باشد. مقام معظم رهبری بر اهمیت مشارکت مردم در اقتصاد تأکید می‌کنند و معتقدند: «نکته‌ی اول این است که این را بدانیم که قوی‌ترین دولت‌ها هم قادر نیستند بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازند؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از سازوکارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم‌ها- البته نه همه انواع سوسیالیسم- این فکرها را کردند که بتوانند دولت‌ها را متصدی کار اقتصاد کنند [اما] شکست خوردند. امکان ندارد و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]؛ بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم و ظرفیت‌های گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم»^۲.

گودسِل (۲۰۰۶) معتقد است که مهم‌ترین هدف اداره و حیاتی‌ترین دستاورد فعالیت اداری ایجاد و حفظ اعتماد عمومی به دولت است که دموکراسی را ممکن می‌سازد (گودسِل، ۲۰۰۶)؛ به‌طوری که آیت‌الله اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور، نیز در نامه خود به پاپ فرانسیس^۳، رهبر کاتولیک‌های جهان بر همدلی‌ها و همکاری‌های گسترده میان دولت و ملت و مردم ایران در جریان مقابله با ویروس کرونا تأکید می‌کند و می‌نویسد: «این روزها در جمهوری اسلامی ایران شاهد جلوه‌های وصف‌ناشدنی از حرکت‌های داوطلبانه و همدلی‌ها و همکاری‌های گسترده دولت و ملت و مردم از همه گروه‌ها و ادیان و مذاهب و پرستاران و پزشکان و کادر درمان و جوانان و دانشجویان و نخبگان دانشگاهی و روحانیت و حوزه‌های علمیه و بزرگان دین و طلاب علوم دینی و جوانان امدادگر با هدایت مراجع دینی و رهبری انقلاب اسلامی هستیم و بر این پیوند آسمانی افتخار می-کنیم»^۴.

بحران کرونا جهانی‌سازی را از بین نمی‌برد و به معنای پایان جهانی‌سازی نیست؛ بلکه آن را از حالتی به حالت دیگر متحول می‌کند؛ به‌طوری که کمک‌رسانی‌ها در قالب روابط و همکاری‌های بین‌المللی بهداشتی افزایش یافته است. جهانی‌سازی قربانی بحران همه‌گیری ویروس کرونا نمی‌شود؛ بلکه جهانی‌سازی تحت استیلای نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر دچار افول خواهد شد؛ اما ماهیت و موجودیت ذاتی جهانی‌سازی به معنای وابستگی‌ها و پیوستگی‌های ملت‌ها از طریق روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی دچار تحول خواهد شد. فونتین (۲۰۲۰) معتقد است که همه‌گیری جهانی ویروس کرونا نشانه پایان عصر جهانی‌سازی نیست؛ بلکه جهانی‌سازی از طریق ترکیب تغییراتی در تمایلات عمومی، خط‌مشی دولت و رویه‌های شرکتی تغییر خواهد یافت (فونتین، ۲۰۲۰). آیت‌الله اعرافی، در بخش دیگری از نامه خود به پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان بر روابط و همکاری‌های چندجانبه بین‌المللی تأکید می‌کند و می‌نویسد: «مقابله با این چالش [همه‌گیری جهانی ویروس کرونا] و

1. Mobilization

۲. بیانات رهبری در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45517>

3. Pope Francis

4. <http://hajj.ir/fa/99788>

سایر بحران‌های معاصر مانند بی‌عدالتی، تبعیض‌های ناروا، تحریم‌های غیرانسانی، بحران زیست‌محیطی، جنگ، تروریسم، تولید و نگهداری سلاح‌های کشتار جمعی^۱، مستلزم همفکری و همکاری‌های بین‌المللی و مقابله همه‌جانبه با سیاست‌های غیرمستولانه برخی کشورهای سلطه‌جو و قوانین یک‌جانبه‌گرایانه و مبارزه همه‌جانبه با جریان‌های فساد و تبعیض و تحریم و ضدعدالت و اخلاق و معنویت و پایبندی صادقانه به آموزه‌های مشترک انسانی، عقلانی و دینی و تحکیم مبانی محبت و عدالت و صلح و همبستگی انسانی است^۲.

درون‌گرایی و انزوای خودخواسته اقتصادی منافاتی با جهانی‌سازی و همکاری‌های بین‌المللی ندارد. البته، جهانی‌سازی در مفهوم جدید آن (یعنی جهانی‌شدن به معنای اختیاری آن، نه اجباری) و حضور فعال و کنش‌گرایانه دولت‌ها و ملت‌ها در فرایند جهانی‌سازی و بین‌المللی‌سازی؛ نه به معنی جهانی‌سازی منفعلانه تحت انقیاد نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر و غارت‌گر که منابع انسانی و طبیعی ملت‌ها و جوامع را به تاراج می‌برد و استثمار می‌کند. گونه‌ای از جهانی‌سازی که دربرگیرنده یکپارچگی‌ها و پیوستگی‌های سخت و شکننده مانند یکپارچگی و پیوستگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیست؛ بلکه نوعی از جهانی‌سازی که مبتنی بر روابط مسالمت‌آمیز و اعتماد و احترام متقابل میان ملت‌ها و فرهنگ‌ها است؛ روابطی که مبتنی بر بازی مجموع صفر نباشد، بلکه مبتنی بر تعاملات و معاملات برد-برد است. مفهوم یکپارچگی‌ها و پیوستگی‌های سخت و شکننده ناشی از جهانی‌سازی مفرط را می‌توان در نظر پرو جستجو کرد. پرو^۳ (۱۹۸۴) معتقد است، زمانی که اجزای یک نظام که پیوستگی سست دارند با هم پیوستگی سخت پیدا کنند، بروز یک حادثه طبیعی و عادی است؛ زیرا اجزایی متضاد را به اجبار کنار هم قرار داده و ملزم به کار با هم کرده‌ایم (پرو، ۱۹۸۴). در واقع، انعطاف‌پذیری، چابکی و انطباق‌پذیری رمز موفقیت و کارآمدی نظام حکمرانی در عصر حاضر است.

۷- بحث و بررسی

اینکه در حقیقت، چه روی خواهد داد، و اینکه از میان دوقطبی‌های انزوا و کناره‌گیری از دنیا یا یکپارچگی با دنیا، مآلی-گرایی یا جهانی‌سازی، تمرکز بر توان داخلی و حمایت از تولیدات داخلی یا همکاری‌های بین‌المللی، دوقطبی قدرت شرق و غرب، حکومت‌های دموکراتیک یا خودکامه، رهبری اقتصادی و سیاسی آمریکا یا چین یا سایر کشورها و ...، کدام اتفاق خواهد افتاد، موکول به آینده است و باید منتظر ماند و روی‌دادها را رصد و بررسی کرد؛ اما آن چیزی که مشخص است، این است که رفتار اکنون دنیا، آینده آن را خواهد ساخت. به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری‌ها، انتخاب‌ها و اقداماتی که دولت‌ها و ملت‌ها در مواجهه با بحران همه‌گیری ویروس کرونا انجام می‌دهند، مسیر تغییرات آینده دنیا را شکل می‌دهد. این بحران فرصتی را برای بازیابی رویکردهای فردی و جهانی به وجود آورده است.

رابرتز^۴ (۲۰۲۰) معتقد است که هزاره سوم با پذیرش گسترده یک پارادایم حکمرانی آغاز شده است که بر دولت کوچک، بازارهای آزاد و مرزهای باز تأکید می‌کند. او بر این باور است که حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، بحران مالی سال ۲۰۰۸ و همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ تکانه‌هایی هستند که تصمیم‌گیرندگان آمریکا را وادار ساخت تا از این پارادایم جدا شوند. نگاه به گذشته تأکید می‌کند که پارادایم این هزاره نابهنجار است؛ زیرا این پارادایم برای مواقع ساکن و آرام طراحی شده است. دولت آمریکا با مخاطرات اجتماعی بسیاری مواجه است و فاقد توانمندی‌های لازم برای پیش‌بینی و مدیریت این مخاطرات و تأمین امنیت عمومی و اقتصادی است؛ بنابراین، مسائل امروز نیازمند ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جدید، همراه با ذهنیت جدید راجع به حکمرانی است و سیاست داخلی وظیفه ایجاد این ظرفیت‌ها را بر عهده دارد (رابرتز، ۲۰۲۰).

1. Weapon of Mass Destruction (WMD)

2. <http://hajj.ir/fa/99788>

3. Perrow

4. Roberts

آنسِل^۱ (۲۰۱۹) معتقد است که ما شاهد ظهور «دولت حمایتی»^۲ هستیم که مهم‌ترین نقش آن دفاع از شهروندان در مقابل صدمات و آسیب‌ها است (آنسِل، ۲۰۱۹). او بر حمایت از یک‌یک افراد در مقابل صدمات و آسیب‌های روزانه تأکید می‌کند. باری که در زمان بحران‌های اجتماعی بر دولت تحمیل می‌شود، بسیار سنگین‌تر است. دولت آمریکا به خوبی برای انجام این بار مسئولیت طراحی نشده است.

وعده پوچ و دروغین نئولیبرال‌ها باید پایان پذیرد. عصری که در آن تنها نگرانی هر بازیگر اقتصادی پر کردن جیب‌های-اش با طلاست، باید خاتمه یابد. بارها و بارها اثبات شده است، این دولت است که می‌تواند بحران‌های با این مقیاس را مدیریت کند؛ بنابراین، نفع عامه باید به مرکز خط‌مشی عمومی بازگردد، و شرکت‌ها و کسب‌وکارها باید در دستیابی به نفع عامه مشارکت کنند و چارچوب فعالیت‌های انسانی خود را حفظ کنند (ایلووز^۳، ۲۰۲۰).

استیگلیتز (۲۰۱۸) معتقد است که منافع شرکتی و مالی در ایالات متحده تعیین‌کننده قواعد جهانی‌سازی هستند (استیگلیتز، ۲۰۱۸). آنچه که آشکار است این است که دنیای پس از بحران کرونا در جهت نوع جدیدی از جهانی‌سازی حرکت می‌کند که خبری از استعمارگری گسترده امپریالیسم قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده و هم‌پیمانان آن نخواهد بود تا تحت انقیاد و با تکیه بر مبانی لیبرالیسم و نئولیبرالیسم نظام سرمایه‌داری چپاول‌گر حاکم بتوانند سیاست و اقتصاد دنیا را آن-گونه که می‌خواهند شکل دهند.

نوع جدید جهانی‌سازی مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل میان دولت‌ها و ملت‌هاست؛ به طوری که حاکمیت کشورها توسط سایر کشورها و دولت‌ها به رسمیت شناخته شده و مورد احترام قرار می‌گیرد، دولت‌ها و حکومت‌ها ضمن تقویت ساختارهای درونی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خود روابط دو یا چندجانبه‌ای را با سایر ملت‌ها و دولت‌ها برقرار می‌کنند. در مفهوم جدید جهانی‌سازی، تقسیم کشورها و ملت‌ها به کشورهای شمال و جنوب یا توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته یا جهان سوم منسوخ شده و دولت‌ها تحت تسلط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، آن طوری که امروزه شناخته می‌شوند، قرار نخواهد گرفت تا نظام‌های حکومتی و دولتی خود را متناسب با پیش‌شرط‌های آنها مانند شاخص-های حکمرانی خوب تغییر دهند. البته، این نوع جدید از جهانی‌سازی چیزی است که برخی (کاپلان، ۲۰۲۰) از آن هراس دارند.

این بحران حکمرانی ملی و بین‌المللی می‌تواند ماهیت نظم بین‌المللی را به طرق مختلف تغییر دهد (تیسدال، ۲۰۲۰ الف)؛ از این‌رو، نظم نوین جهانی آینده نیازمند بازاندیشی و بازتعریف گسترده در مفاهیم جاری فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و حکمرانی حاکم بر افکار و اذهان ملت‌ها و دولت‌هاست که مبتنی بر اندیشه مادی‌گرایانه غربی است؛ بنابراین، تعاریف جدید متفاوت از تعریف «خوبی» در نظام سرمایه‌داری چپاول‌گری است که مبتنی بر تفکرات و اصول لیبرالیسم و نئولیبرالیسم است.

مفاهیمی مانند کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته، کشورهای جهان اول و جهان سوم، عدالت اجتماعی و خدمات عمومی باید در فرهنگ اقتصادی، سیاسی، و حکمرانی جهان و با توجه به واکنش دولت‌ها و ملت‌ها نسبت به بحران کرونا مورد بازتعریف قرار گیرد. مفهوم قدرت و ویژگی‌های ابرقدرت و قدرت بزرگ جهانی، مفهوم جهانی‌سازی و نظام اقتصادی بین‌المللی و تعاملات و روابط بین‌المللی باید بدون تکیه بر روابط انگلی نظام سرمایه‌داری لیبرال و نئولیبرال مورد بازاندیشی و بازتعریف قرار گیرد. برای این منظور، نیازمند تعریف شاخص‌ها و معیارهای معتبر و قابل‌انکایی برای این مفاهیم هستیم و صرفاً تکیه بر شاخص‌ها و اصول «حکمرانی خوب» ارائه‌شده توسط بانک جهانی تعیین‌کننده توسعه‌یافتگی و عدم توسعه‌یافتگی نیست.

1. Ansell
2. Protective State
3. Illouz

منابع

- ۱- اعرافی، ع.، (۱۳۹۹). نامه مدیر حوزه‌های علمیه به پاپ واتیکان (۱۳۹۹/۰۱/۱۷): <http://hajj.ir/fa/99788>
- ۲- خامنه‌ای، س.ع.، (مقام معظم رهبری). بیانات مقام معظم رهبری به آدرس: <http://farsi.khamenei.ir>
- 3- Agnew, J.A., (2005). **Hegemony: The New Shape of Global Power**, Philadelphia, PA: Temple University Press.
- 4- Allen, J., (2020). The History of COVID-19 Will Be Written by the Victors, *Foreign Policy*, Retrieved 20 March 2020 at: <https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coronavirus-pandemic/>
- 5- Allison, G., (2020). Coronavirus Crisis Shows Cracks in the U.S. Governing System, Analysts Say, *South China Morning Post*, Retrieved 8 April 2020 at: <https://www.belfercenter.org/publication/coronavirus-crisis-shows-cracks-us-governing-system-analysts-say>
- 6- Ansell, C., (2019). **The Protective State**, Cambridge University Press, Cambridge.
- 7- Ansell, C., & Gash, A., (2008). Collaborative governance in theory and practice, *Journal of public administration research and theory*, 18(4), 543-571.
- 8- Ansell, C., Sørensen, E., & Torfing, J., (2023). Public administration and politics meet turbulence: The search for robust governance responses, *Public Administration*, 101(1), 3-22.
- 9- Araya, D., (2020). The Revolution after the Crisis, *Forbes*, Retrieved 31 March 2020 at: <https://www.forbes.com/sites/danielaraya/2020/03/31/the-revolution-after-the-crisis/#6323d60a101e>
- 10- Bevir, M., (2013). **A Theory of Governance**, London: University of California Press, Ltd.
- 11- Blumenau, J., & Lauderdale, B.E., (2018). Never let a good crisis go to waste: Agenda setting and legislative voting in response to the EU crisis, *The Journal of Politics*, 80(2), 462-478.
- 12- Boas, T.C., & Gans-Morse, J., (2009). Neoliberalism: From new liberal philosophy to anti-liberal slogan, *Studies in comparative international development*, 44(2), 137-161.
- 13- Boin, A., & Hart, P.T., (2008). Public Leadership in Times of Crisis: Mission Impossible?, In Boin, A. (ed.) **Crisis Management** (Pp. 1-15), Vol III, First edition, Sage Publication, Inc.
- 14- Boin, A., Hart, P.T., McConnell, A., & Preston, T., (2010). Leadership style, crisis response and blame management: The case of Hurricane Katrina, *Public Administration*, 88(3), 706-723.
- 15- Boin, A., Hart, P.T., Stern, E., & Sundelius, B., (2005). **The Politics of Crisis Management: Public Leadership under Pressure**, Cambridge University Press, New York.
- 16- Christensen, T., & Lægreid, P., (2020). Balancing governance capacity and legitimacy: how the Norwegian government handled the COVID-19 crisis as a high performer, *Public Administration Review*, 80(5), 774-779.
- 17- Cooley, A., & Nexon, D., (2020). **Exit from Hegemony: The Unraveling of the American Global Order**, Oxford University Press, Oxford.
- 18- Coombs, W.T., & Holladay, S.J., (Eds.) (2011). **The Handbook of Crisis Communication**, John Wiley & Sons, United Kingdom.
- 19- Deetz, S.A., (1992). **Democracy in the Age of Corporate Colonization**, State University of New York Press, Albany.
- 20- Duran, B., (2020). The Future of global great power competition after the Coronavirus, *Insight Turkey*, 22(2), 79-92.
- 21- Enroth, H., (2011). Policy network theory, In Bevir, M., (Ed.), **The Sage Handbook of Governance** (pp. 19-35), Thousand Oaks, CA: Sage.
- 22- Farazmand, A., (1999). Globalization and public administration. *Public Administration Review*, 59-522.

- 23- Farazmand, A., (2002). Privatization and globalization: A critical analysis with implications for public management education and training, *International Review of Administrative Sciences*, 68(3), 355-371.
- 24- Farazmand, A., (2004). Sound governance in the age of globalization: A conceptual framework, In Farazmand, A., (Ed.) **Sound Governance: Policy and Administration Innovation** (pp. 1-24), Westport, CT: Praeger.
- 25- Farazmand, A., (2009). Building administrative capacity for the age of rapid globalization: A modest prescription for the twenty-first century, *Public Administration Review*, 69(6), 1007-1020.
- 26- Farazmand, A., (2012a). Sound governance: Engaging citizens through collaborative organizations, *Public Organization Review*, 12(3), 223-241.
- 27- Farazmand, A., (2012b). The future of public administration: Challenges and opportunities—A critical perspective, *Administration & Society*, 44(4), 487-517.
- 28- Farazmand, A., (2015). Governance in the Age of Globalization: Challenges and Opportunities for South and Southeast Asia, In Jamil, I, Aminuzzaman, S.M., & Haque, S.T.M., (Eds.), **Governance in South, Southeast, and East Asia: Trends, Issues and Challenges** (Vol. 15) (pp. 11-26), Springer International Publishing, Switzerland.
- 29- Farazmand, A., (2017). Governance reforms: The good, the bad, and the ugly; and the sound: Examining the past and exploring the future of public organizations, *Public Organization Review*, 17(4), 595-617.
- 30- Farazmand, A., & Balilaj, A., (2015). Does Asia have a unique theory of public administration for all seasons? An exploratory essay, *Asia Pacific Journal of Public Administration*, 37(3), 143-160.
- 31- Fischer, F., (2012). Participatory governance: From theory to practice. In Levi-Faur, D. (Ed.). (2012). **The Oxford Handbook Of Governance** (pp. 457-471), Oxford University Press, Oxford.
- 32- Fontaine, R., (2020). Globalization Will Look Very Different After the Coronavirus Pandemic. *Foreign Policy*, Retrieved 17 April 2020 at: <https://foreignpolicy.com/2020/04/17/globalization-trade-war-after-coronavirus-pandemic/>
- 33- Friedman, T.L., (1999). **The Lexus and the Olive Tree**, Farrar, Straus and Giroux, New York.
- 34- Frum, D., (2020). The Coronavirus Is Demonstrating the Value of Globalization. *The Atlantic*. Retrieved 27 March 2020 at: <https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2020/03/dont-abandon-globalizationmake-it-better/608872/>
- 35- Fukuyama, F., (1992). **The End of History and of the Last Man**, Free Press, New York.
- 36- Fukuyama, F., (2020a). The Thing That Determines a Country's Resistance to the Coronavirus, *The Atlantic*, Retrieved 30 March 2020 at: <https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2020/03/thing-determines-how-well-countries-respond-coronavirus/609025/>
- 37- Fukuyama, F., (2020b). The Pandemic and Political Order: It Takes a State, *Foreign Affairs*, 99(4) (July/August 2020), Retrieved 9 June 2020 at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/world/2020-06-09/pandemic-and-political-order>
- 38- Fuller, S., (2013). 'Never let a good crisis go to waste': moral entrepreneurship, or the fine art of recycling evil into good, *Business Ethics: A European Review*, 22(1), 118-129.
- 39- Galbraith, J.K., (2006). Taming predatory capitalism. In Galbraith, J.K., (Ed.), **Unbearable Cost** (pp. 219-220), Palgrave Macmillan, London.
- 40- Goodman, A., (10 April 2020). Noam Chomsky on Trump's Disastrous Coronavirus Response, Bernie Sanders & What Gives Him Hope, Retrieved 10 April 2020 at: https://www.democracynow.org/2020/4/10/noam_chomsky_trump_us_coronavirus_response
- 41- Goodsell, C.T., (2006). A new vision for public administration, *Public Administration Review*, 66(4), 623-635.
- 42- Grindle, M.S., (2017). Good governance, RIP: A critique and an alternative, *Governance*, 30(1), 17-22.

- 43- Haass, R.N., (2021). Present at the Destruction Trump's Final Act Has Accelerated the Onset of a Post-American World, *Foreign Affairs*, 100(1) (January/February), Retrieved 11 January 2021 at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-01-11/present-destruction>
- 44- Illouz, E., (2020). Coronavirus Reveals What Really Makes the World Go Round, and It's Not Money, *Haaretz*, Retrieved 4 March 2020 at: <https://www.haaretz.com/us-news/.premium.MAGAZINE-coronavirus-reveals-what-really-makes-the-world-go-round-and-it-s-not-money-1.8734475>
- 45- Innes, A., (2018). The new crisis of ungovernability, In Martill, Benjamin, & Staiger, Uta (Eds.), **Brexit and Beyond—Rethinking the Futures of Europe** (pp. 138-145), UCL Press, London.
- 46- James, E.H., & Wooten, L.P., (2005). Leadership as (Un) usual: how to display competence in times of crisis, *Organizational Dynamics*, 34(2), 141-152.
- 47- Kadomtsev, A., (2020). A new world order, or will globalization survive the coronavirus pandemic?, *Modern Diplomacy*. Retrieved 17 March 2018 at: <https://modern diplomacy.eu/2020/03/17/a-new-world-order-or-will-globalization-survive-the-coronavirus-pandemic/>
- 48- Kaplan, R.D., (2020). Coronavirus Ushers in the Globalization We Were Afraid Of, *Bloomberg*, Retrieved 20 March 2020 at: <https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2020-03-20/coronavirus-ushers-in-the-globalization-we-were-afraid-of>
- 49- Keinon, H., (2020). Post-corona world order: What was, is not what will be, *The Jerusalem Post*, Retrieved 30 March 2020 at: <https://www.jpost.com/opinion/post-corona-world-order-what-was-it-not-what-will-it-be-622967>
- 50- Kissinger, H.A., (2020). The Coronavirus Pandemic Will Forever Alter the World Order, *The Wall Street Journal*, Retrieved 3 April 2020 at: <https://www.wsj.com/articles/the-coronavirus-pandemic-will-forever-alter-the-world-order-11585953005>
- 51- Kooiman, J., (1993). Governance and governability: using complexity, dynamics and diversity, In Kooiman, J., (Eds.) **Modern Governance: New Government-Society Interactions** (pp. 35-48). Sage publication.
- 52- Kooiman, J., & Jentoft, S., (2009). Meta-governance: values, norms and principles, and the making of hard choices, *Public Administration*, 87(4), 818-836.
- 53- Korten, D.C., (1995). **When Corporations Rule The World**, Kumarian Press, West Hartford, CT.
- 54- Kregel, J., (1998). The strong arm of the IMF, *Report of the Jerome Levy Economic Institute of Bard College*, 8(1), 7-8.
- 55- Kulish, N., Kliff, S., & Silver-Greenberg, J., (2020). Ventilators. The Mission Failed, *The New York Times*, Retrieved 31 March 2020 at: <https://www.nytimes.com/2020/03/29/business/coronavirus-us-ventilator-shortage.html>
- 56- Lewin, L., (1991). **Self-Interest and Public Interest in Western Politics**, Oxford University Press, Oxford.
- 57- Marr, B., (2020). 9 Future Predictions For A Post-Coronavirus World, *Forbes*, Retrieved 6 April 2020 at: <https://www.forbes.com/sites/advisor/2020/04/06/dont-worry-the-1200-stimulus-payment-wont-cut-into-your-tax-refund-next-april/#6e0049a05ea8>
- 58- Meuleman, L., (2008). **Public Management and the Metagovernance of Hierarchies, Networks and Markets: The Feasibility of Designing and Managing Governance Style Combinations**, Physica-Verlag, Heidelberg.
- 59- Milward, H.B., & Provan, K.G., (2000). Governing the hollow state, *Journal of Public Administration Research and Theory*, 10(2), 359-380.
- 60- Mishra, A.K. (1996). Organizational Responses to Crisis: The Centrality of Trust. In: Kramer, R.M., & Thomas, T., (eds.), **Trust In Organizations** (pp. 261-287), Sage Publication, Newbury Park, CA.
- 61- Nye, J.S.Jr., (2020). American Power Will Need a New Strategy, *Foreign Policy*, Retrieved 20 March 2020 at: <https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coronavirus-pandemic/>

- 62- Ohmae, K., (1990). **The Borderless World: Power and Strategy in the Interlinked Economy**, HarperBusiness, New York.
- 63- Poluha, E., & Rosendahl, M., (2012). **Contesting 'Good' Governance: Crosscultural Perspectives on Representation, Accountability and Public Space**, Routledge.
- 64- Parenti, M., (2010). **Democracy for the Few**, Saint Martin's Press, New York, NY.
- 65- Perrow, C., (1984). **Normal Accidents: Living With High-Risk Technologies**, Basic Books, New York.
- 66- Peters, B.G., (1994). Managing the hollow state, *International Journal of Public Administration*, 17(3-4), 739-756.
- 67- Peters, B.G., (2018). Governance: ten thoughts about five propositions, *International Social Science Journal*, 68(Special Issue 227-228), 5-14.
- 68- Polychroniou, C.J., (01 April 2020). Chomsky: Ventilator Shortage Exposes the Cruelty of Neoliberal Capitalism, Retrieved 1 April 2020 at: <https://truthout.org/articles/chomsky-ventilator-shortage-exposes-the-cruelty-of-neoliberal-capitalism/>
- 69- Posen, A., (2020). How the Economy Will Look After the Coronavirus Pandemic, *Foreign Policy*, Retrieved 15 April 2020 at: <https://foreignpolicy.com/2020/04/15/how-the-economy-will-look-after-the-coronavirus-pandemic/>
- 70- Prashad, V., (2020). We won't go back to normal, because normal was the problem, *The Tricontinental*, Retrieved 22 March 2020 at: <https://mronline.org/2020/03/27/we-wont-go-back-to-normal-because-normal-was-the-problem/>
- 71- Rajan, R., (2020). How to Save Global Capitalism From Itself, *Foreign Policy*, Retrieved 3 April 2020 at: <https://foreignpolicy.com/2020/04/03/save-global-capitalism-localism-deglobalization/>
- 72- Reich, R., (2007). **Supercapitalism: The Transformation of Business, Democracy, and Everyday Life**, Alfred A. Knopf, New York, NY.
- 73- Reinhart, C.M., (2020). How the Economy Will Look After the Coronavirus Pandemic, *Foreign Policy*, Retrieved 15 April 2020 at: <https://foreignpolicy.com/2020/04/15/how-the-economy-will-look-after-the-coronavirus-pandemic/>
- 74- Rhodes, R.A.W., (1996). The new governance: governing without government, *Political studies*, 44(4), 652-667.
- 75- Rhodes, R.A.W., (2007). Understanding Governance – Ten years on, *Organization Studies*, 28, 1243-1264.
- 76- Rhodes, R.A.W., (2012). Waves of governance, In Levi-Faur, D., (Ed.), **The Oxford Handbook of Governance** (pp. 33-48), Oxford University Press, Oxford.
- 77- Roberts, A., (2020). The third and fatal shock: How pandemic killed the millennial paradigm, *Public Administration Review*, 80(4), 603-609.
- 78- Salamon, L.M., (2002). **The Tools of Government: A Guide to the New Governance**, Oxford University Press, Oxford, UK.
- 79- Scholte, J.A., (2005). **Globalization: A Critical Introduction**, Second Edition, Palgrave Macmillan, New York.
- 80- Stever, J.A., (1988). **The End of Public Administration: Problems of the Profession in the Post-Progressive Era**, Transnational Publications, Dobbs Ferry, NY.
- 81- Stiglitz, J.E., (2018). **Globalization and Its Discontents Revisited: Anti-Globalization in the Era of Trump**, Norton and Company, New York.
- 82- Stiglitz, J.E., (2020). How the Economy Will Look After the Coronavirus Pandemic, *Foreign Policy*, Retrieved 15 April 2020 at: <https://foreignpolicy.com/2020/04/15/how-the-economy-will-look-after-the-coronavirus-pandemic/>
- 83- The New York Times (2020). The America We Need. By The Editorial Board, *The New York Times*, Retrieved 9 April 2020 at: <https://www.nytimes.com/2020/04/09/opinion/coronavirus-inequality-america.html>

- 84- Tisdall, S., (2020a). Power, equality, nationalism: how the pandemic will reshape the world, *The Guardian*, Retrieved 28 March 2020 at: <https://www.theguardian.com/world/2020/mar/28/power-equality-nationalism-how-the-pandemic-will-reshape-the-world>
- 85- Tisdall, S., (2020b). US's global reputation hits rock-bottom over Trump's coronavirus response, *The Guardian*, Retrieved 12 April 2020 at: <https://www.theguardian.com/us-news/2020/apr/12/us-global-reputation-rock-bottom-donald-trump-coronavirus>
- 86- Torfing, J., Peters, B.G., Pierre, J., & Sørensen, E., (2012). **Interactive Governance: Advancing the Paradigm**, Oxford University Press, Oxford.
- 87- Traub, J., (2020). The Future Is Asian—but Not Chinese, *Foreign Policy*, Retrieved 27 April 2020 at <https://foreignpolicy.com/2020/04/27/the-future-is-asian-but-not-chinese-coronavirus-pandemic-china-korea-singapore-taiwan/>
- 88- Ulmer, R.R., Sellnow, T.L., & Seeger, M.W., (2011). **Effective Crisis Communication: Moving from Crisis to Opportunity**, Second Edition, SAGE Publication, Thousand Oaks.
- 89- Van de Poel, I., Royackers L., & Zwart, S.D., (2015). **Moral Responsibility and the Problem of Many Hands**, Routledge Taylor & Francis Group, New York.

Wise Governance: A New Vision for Public Administration and Governance

Abstract

The world is facing an unprecedented and dangerous crisis. Due to changes caused by coronavirus pandemic and revealing efficient or inefficient nature of the world countries' public administration and governance systems, the necessity of looking inward and nationalism almost all countries around the world, after 40 years dominance and supremacy of predatory capitalism globalization in the form of new public management reforms and some plans such as privatization, corporatization, commercialization, outsourcing, and free market, reduced the role of state and public institutions as minimum as possible and limited it to social control, militarism, and shaping order and economic security for capital owners and capitalism, now it is surely the time to define a new concept and to prosperity and maturity of public administration and governance. The New World Order is shaping and its plan will be written by the Victors of Coronavirus (COVID-19) Crisis. In this paper, the new vision of public administration and governance proposed using descriptive-analytical research method and by means of data gathering through library studies.

Keywords: New World Order, Predatory Capitalism Globalization, Public Administration and Governance, Coronavirus (COVID-19) Pandemic, Wise Governance